

محور کین جنگ داخلی وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم هستند

● رویارویی مردم با یکدیگر خواست امپریالیسم و عوامل وابسته به آن است

سخنگوی سازمان از این که این مصاحبه در محل ستاد فدائیان خلق صورت نمی گیرد اظهار تاسف نمود و گفت "خوشحالم از این که هنوز سازمان می تواند گفتار این مطبوعاتی را در خانه شهیدا برگزار کند". وی پیرامون مسائل چند روز اخیر چنین اظهار داشت: "تشنجی در مناطق مختلف طی روزهای گذشته صورت گرفته است که از آن جمله اند حمله به کتابفروشی ها، تهاجم به زنان، اعمال فشار بر توزیع بقیه در صفحه ۶

پنج روز بعد از حمله به ستاد مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سخنگوی سازمان طی یک مصاحبه مطبوعاتی نظرات سازمان را پیرامون حوادث چند روز اخیر مطرح کرد. این مصاحبه در منزل فدائی شهید بیزن حزنی یکی از بنیانگذاران سازمان صورت گرفت.

از اهداف ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی راهپیمایی روز قدس قاطعانه حمایت می کنیم

سازمان طی اطلاعیه ای که پنجشنبه بیست و پنجم مردادماه توسط خبرگزاری پارس مخابره شد، لیکن بهت سیاست یکجانبه و مترشانه را بدوید تلویزیون از رسانه های گروهی پخش نند، اعلام کرد که از هدفهای ضد امپریالیستی بقیه در صفحه ۴

حمله به ستاد فدائیان خلق توطئه ارتجاع و امپریالیسم علیه مردم است



ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق، قلب کارگران و زحمتکشان ایران
لحظاتی بعد از هجوم چماق بدستان رستخیز

رژیم دیکتاتوری سابق، مزدوران سر سهره امپریالیسم که در روزهای قیام به سوراخهای خود خزیده و جرات ابراز وجود نداشتند، اکنون سراسر ایران را میدان تاخت و تاز خود قرار داده و هر روز که میگذرد شاهد هجوم گسترده تر آنها علیه دستاوردهای مبارزات مردم، می باشیم. اکنون بجای مبارزه پیگیر با امپریالیسم، تشدید درگیری میان گروههای مختلف مردم، بجای آزادی قلم و اندیشه، انحصار طبعی و اختناق فکری و بجای شعارهای انضامی و مترقی، شعارهای مبتذل، فتنه های رکیک و مستهین علیه نیروهای انقلابی در فضای خیابانها مطین انداز است و در دیوار را بقیه در صفحه ۴

اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران:

سازمان ما از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار نخواهد کرد لازم میدانیم دربار، وقایع روزهای اخیر مراتب زیر را با اطلاع هم میهنان برسانیم: ۱- با توجه به سیاست عمومی سازمان و نظر به جو متشنجی که ایجاد کرده بودند، مظاهران و راهپیمایی روز یکشنبه ۲۱ مرداد را نادرست دانستیم و در آن شرکت نکردیم. ما اطلاع داشتیم که عناصر وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم با اجسیر کردن عدهای مسلح کردن آنان به اسلحه گرم و سرد قصد هجوم به تظاهرات و درگیری و خونریزی را دارند و می خواهند آنرا وسیله تحریک عناصر ناآگاه برای حمله به دفاتر سازمانهای انقلابی و مبارزانند ما با مخالفت با این تظاهرات جهت خنثی کردن توسعه ترغیبین جلوگیری بعمل آوریم. ۲- ما تحلیل مطبوعات آزاد و تشدید رفتار سازمانهای سیاسی و هر نوع حمله به صفوف بقیه در صفحه ۴

بزرسی دیدگاهها و روانشناسی توده های رای دهنده در انتخابات مجلس خبرگان (قسمت دوم) چه کسانی به کاندیداهای سازمان مجاهدین خلق و موثلفین رای دادند

۱- جمع بندی قسمت اول در شماره ۲۶ کار ما در مورد دیدگاهها و روانشناسی توده های رای دهنده به کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی موثلفین صحبت کردیم. گفتیم انگیزه این دسته از رای دهندگان چه بوده است؟ ما گفتیم رای دهندگان نه بر اساس تائید و برنامه و تاکتیک حزب جمهوری اسلامی به آن رای دادند و نه بر اساس اعتماد شخصی به آن کاندیداهای (بجز آیت الله طالقانی و احتیاطا یکی دو کاندید دیگر). اعتماد به پیش نویس قانون اساسی که توسط یک جناح از هواداران همین ائتلاف تنظیم شده است نیز محرك رای دهندگان به این ائتلاف بوده است. توده رای دهنده به اینها اساسا هنوز در آن مرحله از رشد مومکراتیسم نیست که درک کرده باشند قانون اساسی چه اهمیتی در سرنوشت او دارد، تمام نمونه ها نشان میدهد که آنها اصلا متن پیش نویس را ندیده بودند بسیاری هم اصلا نمی دانستند که پیش نویس چیست! گفتیم انگیزه عمومی توده های رای دهنده عموما نوعی قدر شناسی سیاسی نسبت به شخص آیت الله خمینی است که سخت با احساسات توسط یک جناح از هواداران همین ائتلاف

پیروزی باد

مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین

سالمات شاهد مبارزه قهرمانانه خلقی هستیم که با نبرد مسلحانه خود مصمم است پوزه جهانخواهران امپریالیست و صهیونیست را به خاک مالند. فلسطین قهرمان این سرزمین کوچک و خلقی که در صف مقدم مبارزه علیه ستم یا خاست است، برای تمام آنها که می خواهند آزاد باشند و در مقابل مستکبران سر فرود نیارند، یکی از بزرگترین نمونه های دوران ماست. خلق فلسطین نشان داده است که می توان بقیه در صفحه ۵

حل مسئله خلقها از طریق جنگ فقط به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع وابسته به آن است

هانگونه که بارها اعلام کرده ایم در این شرایط حساس هرگونه درگیری مسلحانه و راه حل نظامی مخالف منافع مردم ایران و تنها به سود امپریالیسم، صهیونیسم و عوامل داخلی آن تمام می شود. امپریالیسم، صهیونیسم و سرپرستان داخلی آن اینک همه نیروهای خود را برای سرکوب خلقهای ایران و نیروهای انقلابی و مبارز به کار گرفته اند و واضح است امپریالیسم قبل از هر چیزی می کوشد به طرق مختلف با ایجاد نفاق و برادرکشی زمینه تحکیم سلطه خود را فراهم کند. حمله همجانبه نیروهای انقلابی منافع مردم و آتش زدن کتابفروشی ها و روزنامه فروشی ها و توهین و فحاشی به زنان توسط گروههای مزدور و افراد ناآگاه و تحریک شده اینک به اوج خود رسیده و در این گیرودار، جنگ و برادرکشی در پی او آغاز شده است. چه کسی از این رویدادهای شوم سود می برد؟ بدون تردید این افعال که به تشدید تضادهای درون خلق و در نهایت از هم پاشیدگی وحدت خلقهای ایران منجر می شود، با دقت تمام از جانب امپریالیسم طراحی شده و موبه و در ایران اجرا می شود. آنگاه که به این درگیری های ناخوشایند دامن می زنند، آنگاه که آتش بیار مرمک شده اند آنگاه که ناآگاهانه قربانی توطئه های حساب شده امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم جهانی و عوامل داخلی آن شده اند، اینک دارند نترات مبارزات قهرمانانه مردم ایران را نابود می کنند. سرنوشت چنین مردم ایران با خطری جدی و بزرگ مواجه است. توطئه ها و نسیجه های دشمن و ندامت کاری های عوامل ناآگاه در سراسر ایران کاروا به جانی رسانده است که برای نجات چنین مردم و جلوگیری از تحکیم سلطه امپریالیسم، همه نیروهای مبارز و انقلابی، همبندیم که با مبارزات متحد و یکپارچه خویش رژیم شاه را سرنگون کرده و باید بار دیگر با اتحادی مستحکم تر از روزهای قبل از قیام صفوف خود را فشرده کنند. ما بار دیگر اعلام می کنیم که راه حل مسائل مردم و همچنین مسئله خلقها از طریق جنگه فقط به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع وابسته به آن تمام می شود و هر نیروی که به پیروی در این شرایط بهرانی بجای راه حل سیاسی، راه حل نظامی را در پیش گیرد باعث تشدید تضادهای داخلی می شود و چه بهر خواهد و چه نخواهد به پهنای لیس و ارتجاع وابسته به آن خدمت کرده است. در پاره نیز آن کسی که موجب بروز جنگ و درگیری شده است، بدون تردید چه بهر خواهد و چه نخواهد به تشدید تضاد و انقلاب خدمت کرده است. ما از آنجا که در این منطقه فعالیت سیاسی نداریم تاکنون اطلاع دقیقی از کم و کیف جریانها که در این منطقه گذشته است نداریم. اما موضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در قبال برخوردهای پاره و با هر برخورد مشابه دیگر آن است که مسائل همه خلقهای ایران و همه مناطق ایران در شرایط کنونی باید از طریق سیاسی حل شود. راه حل نظامی بدون تردید وحدت خلقهای ایران را مستحضر تهدید می کند و یکپارچگی و استقلال ایران را در خطر جدی قرار می دهد.

در بیست و ششمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، رژیم کودتائی سرنگون شده ولی انقلاب در نیمه راه باز مانده است (قسمت دوم) علل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را بشناسیم و درس عبرت بگیریم. ● تفرقه و جدا کردن مردم از یکدیگر بزرگترین حربه امپریالیسم از کودتای ۲۸ مرداد بود

در شماره قبل کودتای ۲۸ مرداد، شرح مختصر وقایع قبل از آن و شرح چگونگی وقوع این واقعه را بررسی کردیم. در این شماره به علل شکست جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی در متعلق ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و درسی که از این شکست میتوان گرفت، خواهیم پرداخت. ۲۸ مرداد شکست استراتژیک جنبش رهائی بخش در یک مرحله از حیات خود بود. کمبود جدی شرایط ذهنی فئدان پنهانکننده انقلابی در جنبش کارگری و نبود یک رهبری قاطع و بی ممانعت در جناح بورژوازی فلسطین علت این شکست بشمار می آید. مهمترین علت این شکست بشمار می آید. موقعت محققان در جنبش که تازه داشتند

جعلیات روزنامه «انقلاب اسلامی» راه دیگری برای عوام فریبی و تحریک عناصر ناآگاه است

● اعلام جرم سازمان چریکهای فدائی خلق علیه جملنامه روزنامه انقلاب اسلامی در شماره ۲۶ روزنامه انقلاب اسلامی جملنامه ای با آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به چاپ رسیده بود که قبل از هر بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۱

بررسی دیدگاهها و روانشناسی...

منحیی درآمیخته است. اما درمان رای دهندگان باین ائتلاف اقتاری هم بودهاند که کاملاً آگاهانه و با شناخت نسبتاً کاملی از کاندیدها و نظرات آنها وهمچنین ماهیت حزب جمهوری اسلامی و ستگیری طبقاتی آن به کاندیدهای آن رای داده‌اند از آن جمله‌اند تاجار بازار و بطور مشخص اقتاربالائی و میانی خرده بورژوازی سنتی. اینها از یک آگاهی سیاسی شکل گرفته و مشخص بر- خوردارند اینها آگاهانه از رهبری موجود دفاع می‌کنند. و این امر را منطبق با منافع طبقاتی خود می‌دانند.

۴- ترکیب مؤلفین با سازمان مجاهدین خلق ایران و سیاست آنها

اما قرار بود دراین شماره راجع به ترکیب طبقاتی وانگیزه‌های رای دهندگان به کاندیدها های سایر سازمانهای سیاسی صحبت کنیم. ز نظر مقدار آراء سازمان مجاهدین خلق ایران و مؤلفین با حدود ۳۰۰ هزار رای در تهران بند از حزب حاکم قرار داشت. این ائتلاف طیف نیروهای منحیی شد امیرالیه و معتقد به دموکراسی خرده بورژوازی را تشکیل می‌دهند. قشریت وانحصار طلبی در آنان چشم نمی‌خورد. از آنجا که دیدگاههای ترقی خواهانه دارند اینها منحیی را به خدمت مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی گرفته‌اند. و از آنجا که آزادی سیاسی و رعایت حقوق دموکراتیک خلق می‌تواند در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی قرار گیرد، این ائتلاف می‌کوشد با شیوه‌های اختناق آور و سرکوب گرانه موجود و حمله به نیروهای ترقی و پیشرو به مقابله برخیزد. اما چون موضع منحیی دارند ونفوذ دولت و رهبری درمیان نیروهای که سازمان مجاهدین هم بر آنها تکیه می‌کند قابل ملاحظه است می‌کوشند هم روابط را با دولت و رهبری حفظ کنند وهم مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خود را پیش برند.

اما جانب است که دیدگاههای انحصار طلبانه طرف مقابل و تحریک عناصر قشری جوان جدید است که از دیدگاه طبقاتی و تبلیغاتی با اینست مواجه شده است. تبلیغات سوء علیه سازمان مجاهدین خلق از جانب عناصر قشری و بسیار عقب مانده که از سال ۵۵-۵۶ شدت گرفت در روزها و ماههای اخیر بازمه اوج بیشتری یافته است.

این ائتلاف که وجه غالب آنرا طبقاتی از جریانات دموکرات و ضد امپریالیست یونانیانه قصد داشت با شرکت درانتخابات مجلس خبرگان اعتبار خود را بانیات رساند و از این طریق وجه نیروهای منحیی دموکرات را تقویت نماید. نظر آنها در مطلع کنونی این نیست که می‌توانند در تدوین قانون اساسی نقش داشته باشند آنها چه استفاده از اردو-تولیر یون را برای تبلیغات تحریم کردند و این خود نوعی اعتراض به سیاست انحصار طلبانه و مفرطانه آن نیز تلقی شد اما چنانکه خود رسماً اعلام کردند قصدشان مشخصاً افشارگی نیز بوده است.

از سوی دیگر سازمان مجاهدین ومؤلفین بدلیل ترکیب نیروهای هوادار و طبقه که دربر گرفته‌اند، همانگونه که شرکت در انتخابات موقع آنها را تثبیت و تقویت میکرد تحریم انتخابات موجب تضعیف آنها و از دست دادن نیرو می‌شد.

این پنج سازمان با وجود اینکه می‌دانستند مجریان انتخابات همان هواداران حزب حاکم ومؤلفین آن بشمار می‌روند و در سراسر ایران لیست کامل کاندیدها انتشار داده‌اند و باین ترکیب و سیاست انحصار طلبانه انتخابات و نتایج آنرا کاملاً بود خود برگزار می‌کنند بازمه بهمان دلیلی که شردید در انتخابات شرکت کردند.

در این ائتلاف سازمان مجاهدین خلق که از یک نیروی سازمان یافته و یک سابقه مبارزاتی درخشان برخوردار است نقش برجسته را برعهده داشت.

۳- دیدگاهها و روانشناسی توده رای دهنده باین ائتلاف.

دست برعکس رای دهندگان به حزب حاکم، اکثریت مطلق رای دهندگان به این ائتلاف آگاهانه و با شناختی که از مواضع سیاسی و گرایشهای ایدئولوژیک آنها داشتند باین ائتلاف رای دادند. بررسی‌های عینی نشان داده است که برخلاف حزب جمهوری اسلامی که کوشید با تکیه روی احسانات منحیی و احترام و ستایش توده نسبت به رهبری منحیی

بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران

● سازمان ما از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار ...

تظاهر کنندگان و نقش آزادی‌های سیاسی را بهر صورت که باشد، شدیداً محکوم می‌کنیم. افزایش روزافزون اختناق و سرکوب پایمال حقوق و آزادی‌هایی را هدف خود قرارداده است که خلق ما با دادن هزاران شهید و ناپودی رژیم پهلوی بدست آورده است.

۳- دفتر مرکزی سازمان مورد حمله عوامل مترجع وابسته به امپریالیسم و سهیونسم قرار گرفته است. طبق اطلاعات بدست آمده متأسفانه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی تهران و افراد مسلح وابسته به آن مستقیماً به حمایت از این عوامل متکوک پرداخته‌اند. کلیه اموال و اثاثیه سازمان توسط همین کمیته صادره و ضبط شده است. روزنامه‌های هوادار دولت و کتیبه‌ها چنین وانمود کرده‌اند که کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در این حمله دست نداشته‌اند و این حمله کارسهیونیستها و عوامل امپریالیسم بوده است و آن کمیته تنها مسئولیت مقابله با تاراج گران را برعهده داشته است.

در این صورت می‌رسیم چرا کمیته مرکزی انقلاب اسلامی اموال دفتر سازمان را صادره و ضبط کرده است؟ افراد این کمیته به چه منظور از اساحت ۸ صبح در ساختمانهای نیمه تمام اطراف دفتر سازمان با بیمه مسلح متحرک شده بودند؟ چرا کامیونها و افراد مسلح کمیته همراه مهاجمان به مسلح دفتر رسیدند؟ چرا آنها فقط از جوب بمبشان وقت کشا حیات کردند که بسدون مزاحمت درونبرساختمانرا بشکنند و تیرات و اعلامیه‌ها و کتابها را به آتش کنند یا پاره کنند.

اگر کمیته‌ها در این حمله دست نداشته‌اند پس چرا آنرا رسماً محکوم نمی‌کنند؟ اگر کمیته‌ها در این کار دست نداشته‌اند پس چرا خودشان اموال سازمان را برده‌اند؟ و علاوه برعهه اینها چرا بلافاصله بعد از متحرک شدن عوامل سهیونسم و امپریالیسم، دفتر سازمان را ترک نکرده و آنرا تحویل نداده‌اند؟

۴- اظهارات دولت وعوامل کتیبه‌ها در مورد عاملین حمله و عدم وجود نقشه طراحی شده برای حمله بدفتر و همین‌شبهه‌ها و تیرات نظامی از قبیل تیربار و گلوله‌های خنبارانداز وغیره کذب محض است.

این سیاست تازگی ندارد. مدت‌هاست که دولت با رادیو، تلویزیون وسایر دستگاههای تبلیغاتی به پیش اخبار و مطالب جعلی، مفرطانه و یک جانبه پرداخته‌اند.

ما ادامه دروغپردازی وافعال مردم را شدیداً محکوم کرده، نتایج آن را بهزبان بدست آورده‌ای قیام توده‌ها و بسود امپریالیسم، سهیونسم وارتجاع می‌شمریم.

۵- نظر به احترامی که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای شامتر، آداب، سنو عقاید توده‌ها قابل است و در تائید سیاست خود که مناعت از درگیری با دستجات تحریک شده توسط مزدوران امپریالیسم و سهیونسم است ونظر به اینکه فدائیان خلق در این شرایط که آنها می‌کوشند با تعدید نتایج این دستجات ناآگاه راه، به مقابله با انقلابیون واقفی وسازمانهای ترقی‌بگشاند با هوشیاری کامل اعلام می‌کنیم:

در روزهای سوگوار ماه رمضان که تا روز شنبه آینده است از تظاهرات خیابانی خودداری کرده و بدین وسیله نیز از مسئولین امر می‌خواهیم تا در این فرصت ضمن معرفی محرکین حمله بدفتر سازمان به خلقهای ایران، محل دفتر و اموال آنرا تحویل نمانندگان رسمی ما داده حفظ امنیت آنرا تضمین نمایند.

بدیهی است از آنجا که سازمان معتقد به آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک خلق است، پس از آن از هیچ کوششی برای گشایش مجدد دفتر خویش در تهران و ادامه فعالیت علنی فروگذار نخواهد کرد.

با ایمان به پیروزی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

علل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد...

خود طی روزهای ۲۶ تا سیام مرداد دست به مقاومت میزد امکان شکست دادن کودتا وجود داشت. این مقاومت می‌توانست سرآغاز حرکتی انقلابی برای بسیج وتجهیز توده‌ها در یک نبرد توده‌ای بر ضد دشمن باشد. بنابر این اپورتونسم بیکرانی که در جنبش کارگری ریشه دوانیده بود حزب توده را به سیاست تسلیم طلبانه کشاند وشکست خلق را بشکستی جزیران ناپذیر مبدل کرد.

ما در زیر جمعی‌های مخفیتری از صدمه‌ترین ضحهای حزب توده و عیالتهای رهبری در جریان کودتای ۲۸ مرداد بدست می‌دهیم:

۱- حزب توده طهرنم هشدازهایی که به منصف میداد خود در مقابل کودتا غافلگیر شد. حزب که در این موقع بدنباله روی بی چون وچرا از منصف دچار شده بود عملاً هرگونه ابتکار عمل خود را از دست داده بود و هیچ جریان دنبالرو نظیر حالت کنونی مبدل شده بود.

۲- گرچه حزب توده قبلاً نیروهای خود را آماده مبارزه نظامی نکرده بود ولی می‌توانست در کودتای ۲۸ مرداد نیروهای موجود را وارد عمل کند. برخورد‌های نظامی با کمک سازمان نظامی که ۶۵۰ نفر وتعداد چند برابر درجه‌دار در اختیار داشت، میسر سازمان نظامی افرادی را در ماجوریت بسیار حاسی در بین کودتاچیان داشت که اینها می‌توانستند شراب مهلکی به کودتاچیان وارد آورند. حتی اگر این برخورد نظامی به شکست می‌انجامید باعث میشد که اولاپروسه مبارزه سیاسی به‌پروسه مقاومت مسلحانه توده‌های مردم تکامل پیدا کند. تا نیا رسالت مبارزه رهایی بخش بدست نیروهای طبقه کارگر میشد. تا نیا عناصر انقلابی در رهبری وارگان های مشول حزب رهبری اپورتونست را بگیرند. بنابراین مهم‌ترین نمود اپورتونست بیکران در رهبری، هراس از هزل وسکار نبرد نیروهای خود در یک نبرد مسلحانه توده‌ای طبقه دشمن بود.

۳- رهبری حزب توده قادر نبود در سلطانت حاسی تصمیم بگیرد و اختلافات داخلی، نداشتن جرات انقلاب و فرست طلبی عوامل بودند که در این امر نقش ایفا کرد. ضعف شدید عده‌ای از رهبران هنگام بازداشت که تا سرحد عیالته رفتند نتیجه خصوصیات این رهبری بود.

۴- نفوذ عناصر فرست طلب در شرایط مبارزه نیمه علنی سالهای ۳۵ تا ۳۳ بدرون حزب توده زمینه ادامه وتشدید اپورتونسم در حزب توده ورهبری را موجب گشت این امر مهم‌ترین باعث ضعف عمومی حزب در ماجرای ۲۸ مرداد شد بطوری که در همان روزهای اول پس از کودتا عده قابل توجهی از افراد حزبی با واحدهای خود قطع‌تناس کردند.

۵- پس از پیروزی کودتا رهبری حزب از درک اهمیت این پیروزی‌ها وتائیدی که بیار می‌آورد عاجز مانده و در صدد تجدید سازمان وتبیین برنامه‌های خود برنهادند. باین ترتیب که اولاً اسرار داشت که همه افراد خود را حفظ کند وتانیاً با دست زدن به نتیجه‌های موضعی و بخش اعلامیه و شمار نویسی با کودتا مقابله کند. رهبران حزب توده فکر میکردند که همانطوریکه «کودتای سفینه» شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۳۷ مانع ادامه حیات حزب توده شد، این کودتا هم به به غیره خواهد گشت. رهبری عملاً با سیاست دفع‌الوقت کاری را که در چنین شرایطی میبایستی انجام دهد به‌توقف انداخت وسراجم پس از یکسال تمل و دست زدن به تاکتیک‌های نامناسب با بازداشت افسران سازمان نظامی، شرم‌بیکار نشدن بر سراسر حزب توده وسازمان های وابسته به آن وارد آمد.

از اهداف ضد امپریالیستی و... بقیه از صفحه ۱

جمله‌اند رفقای شهید ایرج سهری، فرهاد سهری، محسن نوربخش، خسروی اردبیلی وسایر رفقای که هم‌اکنون به مبارزه مجسود ادامه میدهند.

رفقای ما با شرکت مستقیم خود در مبارزه مسلحانه خلق فلسطین و بم فداکاریهای بسیار درمحل نشان داده‌اند که تا پای جان به آرمان خلق فلسطین وفا دارند وامروز نیز همچنانکه قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم، آماده‌اند به جبهه‌بند فلسطین رفته و دوشادوش خلق فلسطین برای درهم شکستن دشمن مشترک، یعنی سهیونسم و ارتجاع وامپریالیسم نبرد کنند.

و ضد سهیونیستی راه‌پیمایی روز قفس‌بشینیایی می‌کند.

مبارزه سازمان ما با مبارزه خلق فلسطین پیوند خورده است. رفیق شهید علی‌اکبر صفائی فراهانی (ابوالعباس) و رفیق شهید صفاری آشتیانی از بنیان گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در فلسطین انتحالی آتین رزم مسلحانه را آموختند و تا حد یک فرمانده نظامی ورزیده ارتقاء یافتند پس از آنها طی دهال اخیر همرا رفیق فدائسی دوشادوش نیروهای مبارز وانقلابی فلسطین یا سهیونیست‌های اسرائیلی جنگیده‌اند. از آن

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

حمله به ستاد فدائیان خلق

توطئه ارتجاع و امپریالیسم علیه ...

بقیه از صفحه

پوشانده است. و اوپاشان حرفهای دستجات تحریک شمای از تودههای ناآگاه، مسلح به چوب و چاقو و قوه میداندار و مدعی مبارزه با نیروهای انقلابی بهیچانه دفاع واهی از اسلام و شریعت می‌باشند.

نیروهای انقلابی و مبارزگی که در ساحتین ناهای دیکتاتوری و اختناق با دادن صدصدا شهید از منافع زحمتکشان و آزادی و استقلال میهن دفاع کرده‌اند اکنون همچون مناقشان و عناصر ضد خلقی در لبه تیز این حلات دمدمتانه قرار گرفته‌اند.

روزهای قیام را بخاطر داریم که چگونه در حساس‌ترین لحظات قیام، نام این سازمان های انقلابی همچون استوارترین سنگرمبارزه پرزربانها بود و مردم بنور از تحریکات ارتجاع از منافقین واقعی آزادی و استقلال میهن حمایت می‌کردند. و امروز همان سازمان ها چنین مورد پورش و اختراعی مرتجعین قرار گرفته‌اند.

آیا در حمایت نیروهای انقلابی واقعی تنهیری سورت گرفته است؟ آیا انقلابیون، ضد انقلابی و مرتجعین و دشمنان سوگند خورده مردم انقلابی از کار درآمده‌اند. مسلما چنین نیست. بلکه علت را باید در سیرحوادث و رویروها در ششماه گذشته جستجو نمود.

ساستهای سازشکارانه و ماساژگرانه دولت موقت در برخورد با ارتجاع و امپریالیسم و مخالفت با خواستهای انقلابی مردم و لایانل مانند سایل و مکتلات آنها و تلاش جهت احیاء و بازسازی ارگانهای شره خورده رژیم سابق، نظیر ارتش و ساواک... با همان آنگین نامعنا و شرایط گذشته، مطرح شده‌اند. تنگه نظرای و انحصار طلبانه زیر پوشش ظاهری دعوت به وحدت، تنها نرماش آن بوده است که امروز بار دیگر شاهد جان گرفتن مجدد ضد انقلاب و نیروهای مرتجع وابسته با امپریالیسم می‌باشیم.

ما ماهها پیش از این (۲۸ دیماه ۱۳۵۷) در اوج مبارزات مردم، هنگامیکه گروهی می‌کوشیدند بهیچانه غیر اسلامی بودن، سنت خود حمله به سایر نیروهای انقلابی و مبارز را پایه ریزی کنند طی نامه سرگشاده‌ای به آیت‌الله خمینی گفته بودیم: «... چه کسی بهتر از شاه در ۲۵ سال گذشته در شکستن قلمرو و بستن دهانها موفق بوده است؟ حاصل آنچه ستها چه شده درس حیرت تاریخ پرستی که می‌تواند بهترین آموزگار ساختن ایران فردا گردد. اگر امروز از فوران خشم و کثی که محصول مستقیم اعمال زورورسروکوب است درس نگیریم آیا خواهیم توانست آنچه مان را در قلب مردم یا دایم و بهسروزی و شادمانی واقعی را برای مردم میهنمان به ارشاد آوریم؟»

توجه داشته باشید که سیطره سپاه ۲۵ساله دیکتاتوری وابسته با امپریالیسم تا حدود زیادی آگاهی و دانش سیاسی مردم ما را تنها به شدت با دیکتاتوری شاه و این خاندان محدود بازداشت و پیگرد مبارزین و انقلابیون در شیلی

مقامهای رژیم نظامی شیلی در ساتیاگو اعلام کردند نیروهای امنیتی دولتی این کشور هتت جوان را در رابطه با یک گروه چریکی دستگیر کرده‌اند.

هدف مقامهای امنیتی دستگیری اندرس پاسکال انده رهبر چریکهای شیلی که برادر زاده دکتر سالوادور انده رهبر فقید این کشور است بوده است. در ساتیاگو گفته میشود اندرس پاسکال انده برای هدایت و رهبری مقاومت مسلطانه شیلی علیه رژیم نظامی این کشور وارد شیلی شده است. سالوادور انده در سپتامبر ۱۹۷۳ در بی کودتای خونین زوال را در شیلی سرنگون و کشته شد.

کرده بود. چنانچه این بخش از مردم ما به درستی هدایت و ارشاد نگردند و تحت تاثیر تلقینات مسوم کننده سازشکاران بریده و سرمایهداران خود فروخته ای که دزدانه بسوی قدرت می‌خزند پایان راه را پایان سلطه پهلوی انگارند، آنگاه با تندید درگیریها و رویگردانیهای بین مردم قضا و شسرووتا سفوف متحد امروزین بهم خواهد ریخت و راه برای بازگشت ارتجاع هوار خواهد شد.

ما بهخطراتی که تهدیدتوطئه آمیزمخاصات درون جبهه خلق پیروزی انقلاب رهائی طلبانه کنونی را تهدید می‌کند تاکید کرده و در هوشیار کردن مردم نسبت به این خطرات لفظهای تردید نخواهیم کرد... با توجه به آن که از زمان روزهای قیبل از قیام در حال شکل گرفتن بود، با توجه به این امر که از همان هنگام عوامل مرتجع وابسته با امپریالیسم می‌کوشیدند با طرح شار های نفاق افکنانه وحدت صفوف مردم را در مقابل امپریالیسم تشنیف کنند، به آسانی میشد پیش‌بینی کرد که ادامه این جریان می‌تواند چه عواقب نوم و نکتت باری در پی داشته باشد و امروز که نزدیک به هفتصده از آن پیمانیه میگذرد، ارتجاع را می‌بینیم که با قدرت تمام به توطئه چینی نشسته است.

در این روزها شاهدیم که اوپاش دستجات تحریک شده، نه تنها تهران بلکه بسیاری از شهرهای دیگر را علا فرق کرده‌اند و پاستنگ و چاقو و چاقو، نیروهای انقلابی را مورد هجوم قرار میدهند. برخی از ایپان بطور همسدا دشمنانهی را تار ماریزین می‌کنند که هر انسان با فرهنگي را از این همه بی‌فرهنگی و پستی بهحیوت و شرم و اوبیدارد. دولت‌نرندانه از این نیروها حمایت می‌کند و علا شرها را بدست آنان سپرده است. و کتیبتعا آماده‌اند تا همینکه این دستجا دفتری را اشغال کردند و یا جسمی را مشروب نمودند برای تثبیت پیروزی آنها مسلطانه قدم پیش گذارند و قاطعانه بر ضل آنها مهر تائید بگذارند.

در حمله به ستاد سازمان بدینم که چگونه افراد کتیبتعا ساحتها قیل زاده‌ده در ساختن های اطراف با مسلل و بی‌سیم مستقر شده بودند و بهمنض اینکهاراند و اوپاش دستجات تحریک شده با چوب و چاقو و قسه پیدا شده‌اند آنها را مستقیما زیر حمایت خود گرفتند. در حالیکه می‌توانستند از قبل جلوی حمله آنها را بگیرند. و دولت، پس از این صل شرم‌آور و با توجه به اینکه هیچکس جرات دفاع از آن را نداشت - زیرا نفس مسل کثیفتر از آن بود که قابل دفاع باشد حاضر نشد آن را سرحا محکوم نماید. و به سکوت رشایت‌آمیز خود ادامه داده است. از سوی دیگر میدانیم که از چند روز قبلهر گونه، محسن و راهپیمائی شدیدا تقبیح و تحمیر شده بود و سازمان ما با آگاهی از زمینه چینی قبلی عوامل مرتجع، جهت جلوگیری از درگیری‌های خصانسه و خونین ازیرگراری

راهپیمائی و شرکت در تظاهرات خودداری کرد، ولی کانیکه شرایط را برای درگیری فراهم ساخته بودند، با سوء استفاده از موضع اصولی و صحیح سازمان، چاقو پدستان را بسج کرده و ستاد مرکزی سازمان ما و دفاتر سایر سازمانهای انقلابی و مبارز را مورد حمله قرار داده، اموال آنها را به غارت برد و آنها را اشغال کردند. آنها در مسیر خود هرچه را که نشانی از انقلاب و ترقی داشت نابود کردند. در این روز بساط تمام کتابفروشیهای کار خیابان از هجوم منولوار آنها درمان نماند. و در هنگام عبور آنها، در چهسره بسیاری از مردان و زنان و کودکان رهب و هراس موج میزد. زیرا آنها خاطرات شوم گذشته را زنده کرده بودند.

حال در چنین شرایط متشنج و تحریک شندای سختگوی دولت، دچار فراموشکاری شده و از تظاهرات و راهپیمائی‌ای که خود قیلا آن را تقبیح کرده بودند، رسا حمایت می‌کند و اعلام میدارد که راهپیمایان نظم انقلابی را حفظ کرده‌اند.

نیروهای ناآگاهی که امروز آلت دست توطئه گران گفته‌اند و چنین فیجایی را بیار می‌آورند نه از مبارزه ضد امپریالیستی و نه مطلقا از کمونیزم چیزی میدانند. شاید در طول تاریخ جهان شارهایی آن چنان غیر منطقی و منسک و بی معنا نتوان یافت که هم‌اکنون در ایپان و در میان پارهای از این نیروهای فریب خورده مشاهده می‌کنیم. وقتی چندصد نفر با هم فریادمیکنند «پاروسری یا توسری!» «ستاد فدائی اعدام باید گردد»، «دموکراتیک و خلقی، شمار ارتجاع است!... تنها توطئه گران نتیجه میگیرند که آنها با آگاهی و برای دفاع از منافع خود به مرکز تهر آمده‌اند. اینها حر بههای امپریالیزم و ارتجاع‌اند، نه پیش از آن. دشمن توانست با استفاده از این حر بهها ساحتها ذکر شده را به مورد اجرا بگذارد. و اجرای آن تا بحال بهنسو قابل ملاحظه‌ای همچنانکه همه از جان دارند سفوف متحد خلق را دردم ریخته است. و ما در جریان حمله به ستاد مرکزی سازمان با چنین دستجات ناآگاه و فریب‌خورده‌ای روبرو بودیم که جسمی از ارزال اوپاش آنها را همرای می‌کردند. سیاست ما در مقابل آنها چه می‌بایست باشد؟ آیا باید به رفتای خود می‌گفتیم بهر قیمتی که نده مقاومت کنند و ستاد را حفظ کنند. در آن سورت با توجه به محیط مسوم و تحریک شندای که مرتجعین ایجاد کرده‌اند، در موقعیتی که روزنامه‌های آزاد توقیف میشوند و تریبون‌های تبلیغاتی در انحصار توطئه گران و عناصر ضد انقلابی قرار گرفته و آنها توده‌های ناآگاه را بر علیه انقلابیون و مبارزین واقعی تحریک کرده‌اند، چه کسی مسئول قلمدان میشد، کانیکه امروز دشمن اصلی را نه در امپریالیسم که خود در عمل حملت آند، بلکه در وجود سائق‌ترین و جان‌بازرترین نیروهای انقلابی جستجو می‌

کنند. با انصاری کردن رادیو و تلویزیون و استفاده از هزاران تریبون دیگر جهت تشنیق توده‌ها، مسلما مقاومت ما را و از گونه و تحریف شده، منسک ساخته، و بدین وسیله تمام اعمال ننگین خود را علیه نیروهای انقلابی توجیه می‌کردند. ما مقاومت را در آن شرایط بهزیان مردم تشنیف داده بودیم.

ستاد ما قلب کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان است. و ما با خون خود این ستاد را ایجاد کرده‌ایم. و با خون آن را پاسداری خواهیم کرد. ستاد فدائیان، ستاد زحمتکشان و ستاد رهبری جنگ بی‌امان با امپریالیزم و استثمارگران است. این ستاد درون هسر کارخانه و در قلب هر روستا ایجاد شده و ایجاد خواهد شد. این ستاد هرکجا که امپریالیزم و ارتجاع حضور داشته باشد و هرکجا که استثمار هست، سنگر سرخی است که خط اول مبارزه را هدایت خواهد کرد. بدین لحاظ ارتجاع و امپریالیسم در وجود ستاد فدائیان خلق گورگاه خود را یافته‌اند. تمام سرمد بخاطر دارند که فدائیان در مقابل مزدوران امپریالیزم هیچگاه تسلیم نشده‌اند و در هجوم به پایگاههای ما در گذشته، ما تا آخرین تنگت علیه دشمن می‌جنگیدیم و دشمن تنها به اجساد رفقای ما دسترس می‌یافت. ولی اکنون که مزدوران امپریالیزم با تحریک توده‌های ناآگاه تلاش می‌کنند، آنها را به درگیری و رویارویی با ما بکشاند، ما در مقابل دستجات ناآگاه که میدانیم برای هیئت فریب‌ارتجاع را نخواهند خورد و سرانجام دشمنان چهار پنهان کرده خود را خواهند شناخت. ما با چنین مردمی هیچگاه درگیر نخواهیم شد. هرچنانکه در گذشته هم، پیروی توده‌های ناآگاه که رژیم سابق گاه از وجود آنها علیه ما سوء استفاده میکرد، شلیک نکردیم.

داشتن دفتر و مرکز فعالیت علمی، حق مسلم و بی‌چون و چهرای تمام نیروهای انقلابی و مبارز است که در راه سرنگونی رژیم ضد خلقی گذشته مبارزه کرده و شهید داده‌اند. هیچکس نمی‌تواند این حق مسلم آنها را مورد ترض و پرش قرار دهد. مردم ما پس از سالهای طولانی تحمل اختناق و دیکتاتوری که قلمها را می‌شکست و آزادی اندیشه را به بند می‌کشید، بیش از هر چیز به آزادی، به خاطر رشد آگاهی و تشکل، نیازمندند. آنها باید آزاد باشند در جریان برخورد آزاد اندیشه‌ها، با تشنیف آگاهانه منافع خویش، مدافین واقعی خود را بنشانند. هرگونه تحصیل عقیده و انحصار طلبی چیزی جز ادامه شیوه‌های منط و پوسیده گذشته نخواهد بود. اختناق و سانسور و توسل به جبر و زور جهت درهم‌شکستن اندیشه دیگران تنها شیوه کانی است که از بیداری خلق می‌ترسد. ما در گذشته در بهترین شرایط ممکن به فعالیت و مبارزه خود علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه دادیم. و مزدوران سرسپرد امپریالیسم هیچگاه نتوانستند سازمان ما را نابود کنند. اکنون که فدائیان خلق پیش از هر زمان دیگر در قلب توده‌های زحمتکش جای گرفته‌اند، چگونه می‌توان از ادامه فعالیت و مبارزه آنها با حمله بهدفاتر و مراکز فعالیت علمی آنها،

جلوگیری نمود؟ دولت و مسئولین امور، باید در مقابل این پرسنها سرحا موضع خود را روشن نمایند. آیا آنها وجود دفاتر و مراکز فعالیت علمی را برای گروهها، سازمانها و احزاب می‌پذیرند. در این سورت باید مسئولیت حفاظت از آنها را نیز برعهده گیرند. و در سورت مخالفت با آن، مسلما قادر خواهیم بود از موجودیت خود در مقابل تهاجم هر نیروی ضد انقلابی با استفاده از تمام تاکتیک‌های ممکن دفاع کنیم.

همچنین اگر دولت بواسطه عدم قدرت اجرایی موضع منحص ندارد و نمی‌تواند با نمی‌خواهد موضع خود را روشن کند. باید چنین مسئله‌ای را اعلام کند. تا با استفاده از امکانات خود حفاظت از مراکز فعالیت علمی خود را بر عهده گیریم. در این سورت ما با اعلام موضع خود در مقابل تهاجم اوپاش، به شیوه‌ای دیگر عمل خواهیم کرد.

اما واقعیت اینست که دولت با اینکه در حرف مدعی دفاع از آزادی برای تمام نیرو های سیاسی موجود است. ولی عملا از نمایندگان اختناق و سرکوب حمایت می‌کند و مستقیم و غیر مستقیم با روش جانبدارانه خود بر اعمال آنها صحه میگذارد.

ما در این شرایط حساس از دولت و سایر مسئولین می‌خواهیم، جهت پایان بخشیدن به تحریکات موجود، که می‌تواند درگیریها را هرچه بیشتر گسترش بخشد، هرچه سریعتر جهت باز پس گرفتن ستاد اشغالی سازمان اقدام نمایند. در غیر این سورت مواقب هرگونه اتفاق ناگوار را متوجه دولت میدانیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در راه دفاع از آزادیهای دموکراتیک مردم، که امروز مورد تهاجم و دست برد ضد انقلاب قرار گرفته، از تمام نیروهای انقلابی و مبارز می‌خواهد، جهت دفاع از دست‌آوردهای مبارزات مردم با همکاری و همکاری هرچه گسترده‌تر به مقابله با این موج ضد انقلابی برخیزند. حمله به ستاد فدائیان با توجه بهفتی که سازمان ما در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم برعهده دارد. تهاجم گسترده علیه تمام نهادهای دموکراتیک جامعه را در پی خواهد داشت.

مردم مبارز و آگاه ما باید بدانند، کانیکه امروز می‌کوشند، نیروهای انقلابی و مبارز را بدنام کنند و با تحریف حقایق و دروغ بردازی زمینه را برای سرکوب آنها فراهم نمایند. جز دشمنان مردم ما نیستند که امروز با ریا و لیرنگ چهره واقعی خود را پنهان کرده‌اند.

ما با ایپان به آگاهی و هوشیاری توده‌ها، اعتقاد داریم که سرانجام امپریالیسم و تمام مزدوران چهره پنهان کرمش رسوا از گذشته از جانب خلق پاخاست و آگاه ما، نیز نابودی نصیبان نخواهد شد. مستحکم باد وحدت رزمنده خلقهای قهرمان میهن مرگ بر امپریالیسم، سهیونسم و مزدوران سرسپرد آنها سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جعلیات روزنامه انقلاب اسلامی بقیه از صفحه ۱

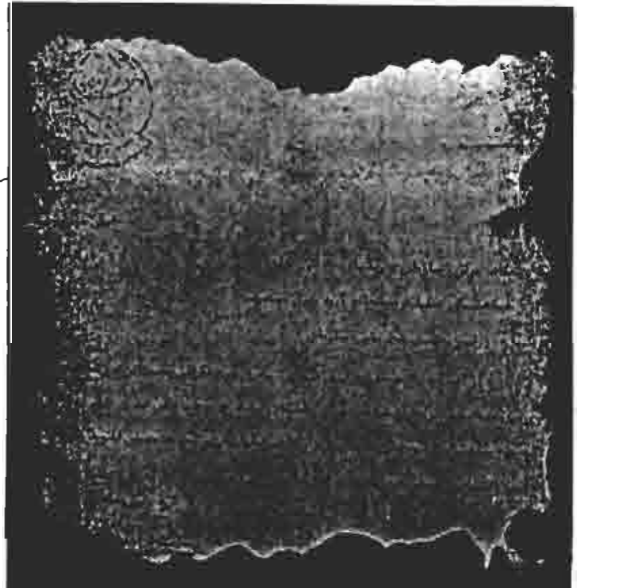
راه دیگری برای عوام فریبی و تحریک...

اینگونه موارد سند کثی صادر نکرده و نمی‌کند و از همین رو ساواک نیز با همه تلاشهای منبوحانه‌اش هرگز نتوانست سند کثی از سازمان بدست آورد. همه مردم شاهدند که «هرانی» جلال ساواک نیز در محاکمات کذابی خود خیلی کوشید تا سندی علیه سازمان ارائه دهد که البته موفق نشد و تا کام مرد.

بهر حال سازمان چریکهای فدائی خلق ایران این صل روزنامه انقلاب اسلامی را کوششی در جهت ممنوش کردن انحصار عمومی و تلاش برای تشنید تضادهای درون خلق می‌داند.

- ۱- کوشش در جهت فریب‌خواندگان.
- ۲- همت و انترآ علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
- ۳- جمل مهر سازمان...

نیروهای انقلابی بود. در واقع این جملنامه نصبت پیش از یک ماه پیش پخش شده بود، لیکن از آنجا که ما در آن زمان گمان می‌کردیم این جملنامه توسط عمال ساواک منتشر شده است نهایز به پاسخ ندیدیم. اما گویا این سند جعلی را مدتها پیش روزنامه انقلاب اسلامی تنظیم کرده است. روزنامه انقلاب اسلامی بلافاصله پس از اشغال ستاد سازمان توسط عناصر مرتجع و ناآگاه این جملنامه را به چاپ رسانده تا این تصور را در خوانندگانش به وجود آورد که این سند جعلی پس از اشغال دفتر سازمان بدست آنها افتاده است. در این جملنامه آمده است که سازمان ضنویت حصاد شیبایی و دوتن دیگر را (که این دوتن برای سازمان ناشناخته مانده‌اند) بهخطار علمی نمودن خطب مشی سازمان لنو نموده و درباره آنها تنبیه انضباطی معمول دانسته است. کافی است در پاسخ بگوئیم که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در طول حیات مبارزاتی خود هیچگاه در



روزنامه «انقلاب اسلامی» با نفر این سند جعلی و سیاه کردن اطراف آن خواهد بست. این سند جنبه واقعی بنهد.

فقط باقطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که می‌توان صنایع، بانکها و شرکتهای وابسته را ملی کرد

موزامبیک، کشوری رها شده از استعمار

قسمت اول



۲۵ ژوئن، (۲۳ تیر) روزی است که یادآور پیروزی خلق موزامبیک و مبارز موزامبیک به استعمارگران پرتغالی است. روزی که نوید دهنده آزادی خلق موزامبیک است.

در اینجا سعی شده که به اختصار اوضاع اقتصادی - اجتماعی موزامبیک بررسی شده و شماری از تاریخ مبارزات این خلق بازگو شود:

موقعیت جغرافیایی: موزامبیک در قسمت جنوب شرقی آفریقا قرار دارد و از شمال با تانزانیا، مالاوی و زامبیا، از غرب با زیمبابوئه (روندیا) و آفریقای جنوبی و از شرق با اقیانوس هند هم مرز است. مساحت این کشور حدود ۷۵۰ هزار کیلومتر مربع و به تنهایی هشت برابر و نیم کشور پرتغال است. این کشور پوشیده از جنگلها و مراتع سبز و خرمیشاند و مساحت آن بالغ بر ۹ میلیون نفر است. موزامبیک به خاطر موقعیت استراتژیک و دارا بودن منابع زیرزمینی فراوان و نیروی کار انسانی ارزان از دیرباز مورد توجه استعمارگران قرار داشته است.

ورود استعمارگران در قرنهای ۱۵ و ۱۶، پرتغالیها بندرهای کلی ساحل موزامبیک را تحت کنترل خود گرفتند و در نتیجه جریان تجارت از مناطق داخلی به بندرهای ساحل و خارج زیر نظر آنها قرار گرفت. از این تاریخ تا اواخر قرن ۱۹ حضور پرتغالیها اساسا بر تجارت برده و تجارت نایبها و غارت تروتهای طبیعی این کشور استوار بوده است. اولین ساکنان پرتغالی موزامبیک زمینهای زراعی را از دست روسای قبایل بومی بیرون آوردند و سیستمی را برقرار کردند که از آن تحت عنوان «پرازو Prazo» نام برده میشود. در این سیستم قدرت صاحب زمین نامحدود بود، از جمله اختیار زندگی یا مرگ همه ساکنان «پرازو» در دست صاحب زمین بود؛ کلیه امور مانند خرید و فروش بردهها در کنترل صاحبان «پرازو» قرار داشت. در سال ۱۸۹۹ با صدور قانونی، بردهداری در سراسر امپراتوری پرتغال ملغی شد ولی این امر در مستعمرات بردهداریت صرف باقی ماند و بردههای سابق تحت نام جدید «لیبرتو Liberto» به همان شیوه و شدت گذشته استعمار می شدند.

پس از کنفرانس برلین که در آن قدرتهای اروپایی شرکت داشتند، استراتژی جدیدی از طرف پرتغال برای کنترل موزامبیک وضع شد، ضمن آنکه امتیازات زیادی به انحصارات آلمانی، فرانسوی و انگلیسی واگذار شد. در نتیجه این استراتژی جدید صاحبان «پرازو»ها در شرکتی صاحب امتیاز، انحصاری تحلیل شدند. بتوان نمونه شرکتی «کمپانی موزامبیک»، «کمپانی نیاس» و «کمپانی زامبیا» در مناطق مختلف مستعمرات پرتغال شروع به بهره برداری از نیروهای انسانی و طبیعی کردند. شرکت اول، «کمپانی موزامبیک» بزرگترین اینان بود که انحصار تجارت، استخراج معادن و غیره در منطقه را به زیرگی ۶۲ هزار مایل مربع، را در اختیار داشت. زمینهای زراعی در خدمت کشت مسلولایی که از طرف امپریالیسم خواسته میشد قرار گرفت. در موزامبیک این محصول پنبه بود که دهقانان در شرایطی که نیازی به آن نداشتند مجبور به کشت آن بودند.

پس از بقوت رسیدن دیکتاتوری «سالازار» در پرتغال (۱۹۲۸) سیل مهاجران پرتغالی به موزامبیک سرازیر شد. هدف از این امر، حرکت در جهت حل مشکل بیکاری در پرتغال و استفاده هر چه وسیعتر از معادن و نیروهای انسانی موزامبیک بود. این مهاجران با اتکاء به دولت پرتغال به نفع زمینهای مرغوب زراعی پرداختند بطوریکه برای یک میلیون و ۲۵۰ هزار خانوار موزامبیک، فقط بالغ بر یک میلیون هکتار زمین مرغوب باقی می ماند در حالیکه مهاجران هر یک بیش از ۲۵ هکتار زمین در اختیار داشتند. سیاستهای مستعمراتی پرتغال مانع از گسترش صنایع بسود و به این ترتیب کارگران معدتا در معادن و بنادر مشغول بکار بودند و کارخانههای بزرگ وجود نداشت به همین دلیل دهقانانی که در اثر حرکت سرمایههای امپریالیستی از زمین خود

جدا میشدند نمی توانستند در جثائی مشغول بکار شوند، همین مسئله در موزامبیک باعث شد که توده های دهقان بی زمین و اغلب آواره، ستون فقرات جنبشهای ملی را تشکیل بدهند. علاوه بر آن تعداد زیادی از آنها به جنبشجویی کار در کشورهای دیگر پرداختند، در سال ۱۹۱۵، حدود ۴۰۰ هزار نفر در مادن آفریقای جنوبی کار می کردند که یک چهارم آنان اهل موزامبیک بودند. همین مسئله نظمه هستگی محالی را که طبرغم اینکه از جنبشهای مختلف بوده در زیر شته واحدی قرار داشتند، تشکیل میدهند. عاملی که در رشد و گسترش انقلابات کشورهای تحت استعمار در آفریقا نقش عمده ای را ایفا می کند.

مبارزات خلق و تاسیس جبهه آزادیبخش موزامبیک (فرلیمو)
تا پیش از قرن بیستم مبارزات خلق موزامبیک علیه استعمار پرتغالیها بدون تشکیلات و آگاهی لازم و تحت رهبری شیوخ اقوام و طوایف مختلف بود. شیوخی که به نفعات از طرف استعمارگران خریداری شده، در مقابل هم قرار گرفته و جنبشها را به سازش و شکست کشاندند. در این دوران مبارزات اساسا به یک یا دو طایفه محدود میشد و به همین دلیل استعمارگران آنها را به آسانی و با خونت تمام سرکوب میکردند. آخرین این گونه شورشها مربوط به سال ۱۹۱۷-۱۸ است.

در قرن بیستم اشکال نسوین مبارزه و سازمانهای مقاومت ظاهر شدند. سازمانهای دهقانی در شمال کشور برای بهبود وضعیت زراعت بوجود آمدند. سازمانهای فرهنگی و گروههای دانشجویی و دانش آموزی تشکیل شدند. روزنامهها و مجلات به نشر فایده آزادی خواهانه مبادرت ورزیدند. در سال ۱۹۲۹، «ادوارد موندلین» (که بعدها رهبر فرلیمو شد) دهت دانش آموزان متوسطه آفریقای موزامبیک NESAM را تاسیس کرد. در این موقع سطح آگاهی توده های زحمتکش بسیار پائین بود و آنان هنوز به ضرورت مبارزه یکپارچه بی نبرده بودند، حرکات آنان محدود به جنبشهای خالصا اقتصادی و گناه سیاسی می گردید. اعضاها کارگران بندر «لورنو» مارکره در سال ۱۹۴۸ که منجر به تبعید چند صد نفر شد و اعتصاب سال ۱۹۵۶ که منجر به مرگ بیش از ۵۰ نفر شد کمک زیادی به رشد آگاهی خلق موزامبیک کرد. در دهه ۶۰ قرن بیستم شرایط به سرعت تغییر کرد. در ۱۶ ژوئن ۱۹۶۰ قتل عام بیش از ۶۰۰ نفر در «موندئا» (در شمال موزامبیک) به عناصرتیرو خلق ثابت کرد که بدون سازماندهی و بدون روی آوری به مبارزه مسلحانه هرگز قادر به کسب استقلال نخواهند بود.

در اوائل دهه شصت، سبجریان مبارزاتی که در قستهای مختلف موزامبیک کار می کردند بوجود آمد. در سال ۱۹۶۵ «اتحاد موزامبیک» موزامبیک UDENAMO که تحت رهبری

یک روحانی فرار داشت، «اتحاد آفریقائی استقلال موزامبیک UNAMI» در سال ۱۹۶۱ در مالاوی تشکیل شد و در همان سال «اتحاد ملی آفریقائی موزامبیک MANU» در کنیا بوجود آمد. با تکرار موندلین کمزورت وحدت این تشکله را حس میکرد. در ۲۵ ژوئن ۱۹۶۲، «جبهه آزادی بخش موزامبیک (فرلیمو) Frelimo» رسا تاسیس یافت. در سپتامبر همان سال کنگره اول فرلیمو برگزار شد و موندلین بعنوان رهبر جبهه انتخاب گردید. در کنگره برنامه کل فرلیمو تعیین گردید، اصول کل برنامه، برپا آمدن کارمندان جبهه موزامبیک و سرکوب مگرد و یا توسط کارگران یا هر چه از این سرمایه دار و مفتخور دزد بگویم کم گتهام، بگذریم، الا نه مدت ها است که از انقلاب شکوهمند ایران که به دست برادران کارگر رژیم منحوس پهلوی سرنگون شد می گذرد

طلبانه برخی از رهبران UDENAMO موندلین تاکید کنگره را بر لزوم وحدت عمل و حرکت مشترک قرارداد که نتیجه آن تاکید بیشتر بر برنامه های عملی بود و نتیجه اهدا مشخص سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جبهه در این کنگره اعلام شد. در سال ۱۹۶۳ کارهای برای دین آموزش نظامی به الجزایر رفتند و پس از بازگشت آنها و بسیج نسو جبهه جبهه در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۴، مردم را به حرکت مسلحانه دعوت نمود. فرلیمو استراتژی جنگ چریکی را برای ایجاد ارتش توده ای، در نظر گرفت و از آنجا که اکثریت مردم موزامبیک در روستاها زندگی می کردند، تاکید عمده بر روستا بود. در سالهای اولیه شروع مبارزه مسلحانه این مبارزه عمدتا در مناطق شمال موزامبیک بود و بتدریج چریکها موفق به ایجاد و گسترش مناطق آزاد شده گردیدند. بطوری که در سال ۱۹۶۵، تعداد چریکهای مسلح به دو هزار نفر رسید و همین رقم در سال ۱۹۶۹ به سیزده هزار افزایش یافت. در اوائل سال ۱۹۶۶ فرلیمو مناطق وسیعی از شمال موزامبیک را تحت کنترل خود در آورده بود. در این سال اختلاف نظرهایی در داخل جبهه بروز کرد، یک نظر اعتقاد به توسعه سریع جنگ داشت و به ایجاد جامعه نوین در نواحی آزاد بود، اعتقاد داشت که جبهه باید موقعیت خود را در نواحی آزاد شده تحکیم کند و همرا با آن به توسعه جنگ به مناطق دیگر مبادرت ورزد، از دید آنها مبارزه طولانی و فرسایشی بود. از طرف دیگر با رشد مبارزه مسلحانه جبهه با مشکلات متعددی روبرو شد که می باید حل و فصل می شدند. مسائلی مانند چگونگی ارتباط سازمانهای نظامی و سیاسی جبهه، اداره مناطق آزاد شده، شیوه های افزایش تولید کشاورزی و همچنین انتخاب «کمیت مرکزی» جدید که می بایست جا را برای عناصر جوانی که در طول مبارزه رشد کرده بودند، باز کند. همه این مسائل فراخوانی کنگره جدیدی را ایجاد می کرد.

درد نیندانه از کجا شروع کم ما کارگران که چرخ اصلی سلطنت را می چرخانیم از کار و کوشش و رنج مشقت ما یقه سفیدها بنوائی میرسد خانوادستان در آن بالاها مسکن دارند با هزاران وسایل خانگی و تفریحی اما طبقه ما کارگران که هر خانواده شش یا هشت نفری در یک اتاق مثل کرم بهم میلولیم و در دل میگوئیم روزی بشود که انقلابی در ایران بوجود آید آنوقت ما میدانیم و... انقلاب هم پدید آمد.

در خیابان یادآوران کارخانه های هست به نام «رخانیات کسرو سازی ششاد این کارخانه دارای ۶۵ کارگر دائمی و در حدود ۱۵۰ کارگر موقت (مدهای از این کارگران را زنها تشکیل میدهند که اکثریت آنها شوهر مرده و دارای چند سر عائله و هر کدام با سابقه ۱۵ الی ۱۵ سال می باشند که روزانه مبلغ ۲۸۰ ریال دستزد میگیرند همه دیگر مردها می باشند که سنشان از ۴۰ سال بالا می باشد و اینها هم با سابقه مثل زنها روزانه ۳۵۰ الی ۴۰۰ تومان دستزد میگیرند) در زمان طاغوت مدیر عامل کارخانه با سرمایه ۶۰۰ هزار تومان شروع بکار کرد و الا نه که مدت ۱۵ الی ۱۷ سال از تاسیس این کارخانه میگذرد سرمایه مدیر عامل کارخانه از - میلیاردها هم تجاوز میکند.

بگذریم اما این آقای سرمایه دار که خود را از طبقه روحانیون و حاجی آقاها مصرفی نمیکند چگونه توانسته است خون یک منت کارگر زحمتکش را تو شیشه کند هر گاه میخواستیم اعتراضی بکنیم مدیر داخلی آن کم یک سرهنسگ آگاهی و یکسی از سربرندگان اصلی رژیم منحوس پهلوی است مارا سرکوب میکرد و یا توسط کارگران یا کارمندان جبهه موزامبیک سرکوب میشدیم هر چه از این سرمایه دار و مفتخور دزد بگویم کم گتهام، بگذریم، الا نه مدت ها است که از انقلاب شکوهمند ایران که به دست برادران کارگر رژیم منحوس پهلوی سرنگون شد می گذرد

بگذریم اما این آقای سرمایه دار که خود را از طبقه روحانیون و حاجی آقاها مصرفی نمیکند چگونه توانسته است خون یک منت کارگر زحمتکش را تو شیشه کند هر گاه میخواستیم اعتراضی بکنیم مدیر داخلی آن کم یک سرهنسگ آگاهی و یکسی از سربرندگان اصلی رژیم منحوس پهلوی است مارا سرکوب میکرد و یا توسط کارگران یا کارمندان جبهه موزامبیک سرکوب میشدیم هر چه از این سرمایه دار و مفتخور دزد بگویم کم گتهام، بگذریم، الا نه مدت ها است که از انقلاب شکوهمند ایران که به دست برادران کارگر رژیم منحوس پهلوی سرنگون شد می گذرد

نامه یک کارگر:

از رنج و مشقت ماست که

«یقه سفیدها» به نوائی می رسند

امیدوار بودیم که وضع ما کارگران بهتر بشود متاسفانه روز بروز بدتر شد و فشار از هر جهت بیشتر شده است در این سلطنت هزاران جوان در خون خود غلطیدند شهید شدند بخاطر آزادی بخاطر ازین - بردن سرمایه داری و بخاطر قلم بخاطر... ولی دولت موقت جمهوری اسلامی کوچکترین کتکی به ما کارگران محروم ننموده است حال یکجا برویم و بکنام مقام دولتی یا غیر دولتی درد حایمان را بگوئیم و اگر اعتراضی بکنیم شد انقلابی شناخته خواهیم شد در صورتیکه عدالتی از کارگران از فشار کار و از مشقت زندگی پیر شده، مسردند بیائید بررسی کنید چه کتکهایی به بازماندگان این کارگران دادند حتی پول کفن دفن این افراد به صند خانوادستان بود بیائید پرسید چه احوال نفعدهایی کارفرما در بین کارگران داشته و مبلغ ناچیزی هر ماه باین نوع کارگران بنام حق سکوت یا غیر چنین یا نفاق افکنی میداد اینها بودند که کارگران را از حق هم میبایدند ما خوب میدانیم اگر کارگران یک کارخانه اتحاد داشته باشند همه مزایای کار را خواهند گرفت تمام عناصر سرمایه داران را از هم خواهند پاشید چگونه کارخانه باین بزرگی بیشتر کارگزارش از بیمه های اجتماعی محرومند البته نماینده کارگر هم بود اما چه نماینده؟! فرمایشی شد کارگری. الا نه مدت چند روز است که شورائی در کارخانه تشکیل شده است ما هم پشتیبانی خود را از شورا اعلام داشتیم و خواهیم داشت باز مشاهده میشود که مدیر کارخانه میگوید تا شورای کارخانه را منحل کند خوب میداند که منافس در خطر است. خوب میداند دیگر نمیتواند دستورات رشا خانی بدهد ما کوشش خواهیم کرد شورای کارخانه را با تصویب سرمایه ها تا وضع اسفناک کارگران بهبود یابد.

پیش سوی شوراها و والی کارگران
برقرار باد اتحاد کارگران
کارگر کارخانه ششاد

تشکیل شورای صیادان آزاد

سرانجام هفت نفر پاسا ۱ - ملاح محمدری قزل ۲ - نس کمی ۳ - صالح آخوند پور ۴ - مفرقن کمی ۵ - حالت آخوند خوند ۶ - آرمند ریاحی ۷ - عروج سید دوجی بعنوان نمایندگان شورای صیادان، آزاد چاقلی انتخاب شدند که ۵ نفر اول اعضاء اصلی و ۲ نفر اعضاء علی البذل هستند.

چاقلی - کمیشده - ۱۹۵ نفر از صیادان آزاد روستای چاقلی - کمیشده جهت تشکیل شورا و انتخاب نمایندگان خود اجتماعی در روستا تشکیل دادند و پس از سخنرانی در مورد اوضاع کشته و حال جامعه و اوضاع صیادان توسط نماینده کانون فرهنگ و سیاسی خلق ترکمن - کمیشده و چندین از صیادان پس از بحث و گفتگوی زیاد بین صیادان

بخشدار بندر ترکمن از وابستگی رژیم سابق است

شهر بندر ترکمن و شهردار انتخابی این شورا مشغول است. در خاتمه قطننامه کانون فرهنگی و سیاسی بندر ترکمن، هزاران نفر از مردم این شهر در یک راهپیمائی علیه بخشدار شهر که از عوامل وابسته به رژیم قبلی است شرکت کردند. اعتراض راهپیمایان به اقدامات اخیر بخشدار بندر ترکمن بود که بهانه تعیین شهردار شهر، مرتجعین، سرمایه داران و عوامل رژیم، پیشین را به دور خود جمع کرده و به توپخانه طیه شورای موقت

بندر ترکمن - صبح روز شنبه ۵ مرداد به دعوت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن، هزاران نفر از مردم این شهر در یک راهپیمائی علیه بخشدار شهر که از عوامل وابسته به رژیم قبلی است شرکت کردند. اعتراض راهپیمایان به اقدامات اخیر بخشدار بندر ترکمن بود که بهانه تعیین شهردار شهر، مرتجعین، سرمایه داران و عوامل رژیم، پیشین را به دور خود جمع کرده و به توپخانه طیه شورای موقت

در مرگور اتحادیه دهقانی تشکیل شد

ارومیه - دهقانان منطقه مرگور در چند ماه اخیر شاترده شورای دهقانی تشکیل داده اند. این شوراها دهقانی در روز ۱۳ مرداد اتحادیه دهقانان را تشکیل دادند. روستائیان ۱۶ ده و نیز نمایندگان بسیاری از دهات دیگر در محل تشکیل اتحادیه گرد آمده بودند. در این اجتماع نمایندگان روستائیان اسلام آباد و نیز یکی از روستائیان «دیج دول» ضمن اعلام همبستگی با اتحادیه، ماهیت

ارومیه - دهقانان منطقه مرگور در چند ماه اخیر شاترده شورای دهقانی تشکیل داده اند. این شوراها دهقانی در روز ۱۳ مرداد اتحادیه دهقانان را تشکیل دادند. روستائیان ۱۶ ده و نیز نمایندگان بسیاری از دهات دیگر در محل تشکیل اتحادیه گرد آمده بودند. در این اجتماع نمایندگان روستائیان اسلام آباد و نیز یکی از روستائیان «دیج دول» ضمن اعلام همبستگی با اتحادیه، ماهیت

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر



تاریخچه و منشاء ریزوئیسم در جنبش کمونیستی (۵)

هنرزیست مالت آمیز از دیدگاه لنین و سیهلای است برای پیشبرد امر تحکیم سوسیالیسم در شوروی و حمایت از انقلاب های دموکراتیک و سوسیالیستی. در یک کلام سیاست هنرزیستی مالت آمیز لنینیستی باید در خدمت انترناسیونالیسم پرولتری و جنبش های آزادیبخش قرار گیرد. اما ریزوئیست-سوسیالیستی و دموکراتیک هنرزیستی مالت آمیز را مضمون اصلی سیاست خارجی خود اعلام کرده‌اند. سیاستی کاملاً منافی با مهربان حزب بلشویک اتخاذ کرده‌اند.

ریزوئیست‌ها هنرزیستی مالت‌آمیز را به مضمون اصلی حرکت همه احزاب کمونیستی جهان که باید برای استقرار حکومت کارگری مبارزه کنند، بدل کرده‌اند.

در مجله «کمونیست» چاپ اتحاد شوروی، شماره ۲، سال ۱۹۶۲ چنین آمده است: «هنرزیستی مالت‌آمیز «اساس استراتژی کمونیسم» در دوران مائوس است و کمونیست های سراسر جهان باید مبارزه به خاطر هنرزیستی مالت آمیز را اصل اساسی سیاست خود قرار دهند. و در جای دیگر رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی مدعی می‌شوند که در شرایط هنرزیستی مالت آمیز امکان «گذار مالت آمیز کشورهای سرمایه‌داری» (پاناماریف «بسی مسائل جنبش انقلابی»).

انتزاسیونالیسم پرولتری و پشتیبانی از جنبش‌های آزادی-بیش باید اساسی ترین اصل سیاست خارجی دولت‌های سوسیالیستی باشد.

چا از «هنرزیستی مالت آمیزی» که امکان «گذار مالت آمیز» از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را فراهم آورده است حرف می‌زند و بی‌شماره همه احکام ریزوئیستی خود را به لنین نسبت می‌دهند. اما بر خلاف مائوس های عوام‌فریاده ریزوئیست‌ها لنین هرگز سیاست هنرزیستی مالت آمیز را مضمون اصلی سیاست خارجی دولت شوروی نمی‌دانست. او بارها اعلام داشت که اساسی‌ترین اصل سیاست خارجی دولت سوسیالیستی، «شوروی کمک به کارگران جهان را در مبارزه دشوارشان به خاطر سرنگون ساختن سرمایه‌داری» بزرگترین شعار خود می‌داند. (چهارمین کنگره جهانی انترناسیونال کمونیست و شورای نایندگان کارگران و سربازان ارتش سرخ).

تئوری «سوسیال امپریالیسم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۵)

آنها که به قدرت رسیدن ریزوئیست‌ها را با احیای سرمایه‌داری یکی می‌کنند از درک ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک عاجزند.

ریزوئیست‌های حزب توده خود را وکیل مدافع ریزوئیسم در شوروی می‌دانند و همیشه و در همه شرایط مذبحخانه کوشیده‌اند بامدینه سرائی و ناگوشی از تمام انحرافات ریزوئیستی مسلط در شوروی دفاع کنند و همان یزیدچسب های را که کائوتسکی‌ها، و یا منتویکا به بلشویکها می‌زدند، تار مارکسیست-لنینیست‌ها کنند.

اپورتونیست‌های پیکار و شرکاء نیز با گفتم این که شوروی یک کشور امپریالیستی است خیال خود را راحت می‌کنند. توده‌ای‌ها می‌گویند هرکس از شوروی انتقاد کند طرفدار چین و به قول خودشان «مائوئیست» است. پیکاری‌ها و بویژه برخی از شرکاء آنها نیز می‌گویند هرکس شوروی را امپریالیست‌داند «مناظره ریزوئیسم» توده‌ای است. گویی اینها از ترس آن که مبادا توده‌ای بشوند، ترس می‌خورند و ریزوئیسم را پذیرفته‌اند.

اما مارکسیسم، لنینیسم به ما می‌آموزد که باید با تنقید تمام، هر نوع گرایش ریزوئیستی را بررسی کنیم و آن را همانگونه که هست بنماییم چرا که اشتباه در این امر سبب رشد ریزوئیسم می‌شود و این خود خطراتی مرگبار برای جنبش کمونیستی میهن ما به همراه خواهد داشت.

بیزاری ما از ریزوئیسم حزب توده و حمایت دیگر احزاب ریزوئیستی بویژه حزب کمونیست شوروی از این جریان قویا انحرافی است که هنوز به عنوان خطری جدی برای جنبش کارگری ایران به شمار می‌رود نباید سپهبد که ما در تحلیل از نظام شوروی-چهارشماره زدگی شویم.

آنها که بر خورد علمی مارکسیست - لنینیست را به «مناظره گری سوسیال امپریالیسم» تشبیه می‌کنند و با گفتم این عبارت خیال خود را راحت می‌کنند در واقع ورتشکستی ایدئولوژیک و ماهیت اپورتونیستی خود را به اثبات می‌رسانند. انحرافات ایدئولوژیک چین و شوروی که امروز هر دو گرفتار ریزوئیسم - نیسی متفاوت از یکدیگرند به معنی احیای سرمایه‌داری در این کشور و سایر کشورهای سوسیالیستی تردید به آنها نیست آنها که به قدرت رسیدن ریزوئیست‌ها را به یادگاری با احیای سرمایه‌داری یکی می‌کنند در واقع از درک عمیق ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک عاجزند.

این عقیده که نظام شوروی سرمایه‌داری است، بطور کلی منافی ویرشد اصول اساسی مارکسیسم است. مارکس و همه مارکسیست‌ها این اصل ابتدایی را می‌پذیرند که سرمایه‌داری شیوه تولیدی است که اساس آن را مالکیت خصوصی تشکیل می‌دهد. در چنین نظامی تولید کالایی عمومی پافته و عوامل تولید مثل نیروی کار، ابزار کار، زمین و غیره به کالا تبدیل می‌شوند. تولید کالا بر اساس رقابت

در بازار استوار است. رقابت میان سرمایه های منفرد، قانون ارزش کار را بوجود می‌آورد و نیروی مفرکه لازم را برای پروسه تاریخی انباشت سرمایه ایجاد می‌کند. آیا نظام شوروی چنین است؟ در نخستین دهه‌های پس از انقلاب اکثر، خلع ید از طبقه سرمایه‌دار و ملی گردن سوسیال تولید از جانب دولت کارگران که با پی-ریزی اقتصاد با برنامه همراه بود، رقابت سرمایه‌داری را از میان برد و با از میان رفتن اقتصاد بازاری، دیگر وسایل تولید خصلت کالایی خود را از دست دادند و در نتیجه سرمایه و قانون ارزش کار به مفهومی که در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، از میان رفت.

برخی مدعی می‌شوند که پس از مرگ رفیق استالین و به قدرت رسیدن ریزوئیست‌ها «در اتحاد شوروی، وسایل تولید جنگلی به یک سرمایه واحد تبدیل شده‌اند که سرمایه داران دولتی انحصاری مشترکا صاحب آن هستند.» (نشریه رد پی پرز Red papers چاپ امریکا). این ادعا، خود ریزوئیسم محض است.

مارکس می‌گوید: «سرمایه فقط و فقط به صورت سرمایه‌های بیشتر وجود دارد و می‌تواند به موجودیت خود ادامه دهد. لنین نیز تأکید می‌کند که در دوران امپریالیسم و در شرایط وجود انحصارات بزرگ نیز هرگز انحصار به طور کامل برقرار نمی‌شود و رقابت را از میان نمی‌برد.

برخی از مدافعان سرشناس تراخیاوی سرمایه داری در شوروی، مثلا نیکولائوس امریکایی که بیشتر تحت تأثیر افکار «پانئونیان» قرار دارد، اعلام داشته‌اند که در شوروی قانون ارزش دوباره بر اقتصاد مسلط شده است و از ارزش هر یک ماده اقتصادی (غیر پولی) به طور کامل عمل نمی‌کند. در چنین وضعیتی از مبادله، سنت‌های مبادلاتی و شرایط تضاد عرضه و تقاضا بر مبادله حاکم است.

حالا ببینیم که وقتی در نظام سرمایه‌داری ارزش مبادله با هزینه تولید برابر باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر ارزش پایین‌تر از هزینه باز تولید باشد سرمایه‌دار قادر نخواهد بود منابع لازم را برای آن که تولید را در همان سطح پیشین نگهدارد باز خرید کند. در نتیجه در چنین شرایطی تولید در یک بنگاه یا کارخانه معین کاهش می‌یابد. اگر ارزش کالا بالاتر از هزینه باز تولید باشد، سرمایه‌دار به متانفی بالاتر از حد معمول می‌رسد. این سبب جذب سرمایه اضافی می‌شود و تولید در بنگاه یا کارخانه بخصوص افزایش می‌یابد. اما در اقتصاد شوروی تولید بیش محصول معین تابع چنین اوضاع و احوالی نیست. در این خصوص ما در شماره‌های آینده خواهد کافی ارائه خواهیم کرد.

در جامعه سرمایه‌داری که قانون ارزش بر همه شئون اقتصادی تسلط دارد، توزیع سرمایه در رشته‌های مختلف توزیع وسایل تولید، نیروی کار و غیره همگی تابع قانون ارزش هستند. در جامعه سرمایه‌داری از آنجا که رهبری متمرکز اقتصاد وجود ندارد و تولید مطابق یک برنامه معین صورت نمی‌گیرد. هیچ سرمایه‌داری نمی‌تواند از قبل پیش‌بینی کند که

جامه تاج‌حده کالای او بیارند. اگر تقاضای خرید کالای در بازار زیاد باشد، تولید این کالا توسعه می‌یابد و اگر تقاضای خرید این کالا کم باشد، تولید چنین کالایی محدود می‌شود. توزیع نیروی کار تابع همین نوسانات است. چنانچه تولید کالایی توسعه یابد نیروی کار بیشتری در آن به کار خواهد افتاد. افراد بنا بر این توزیع نیروی کار و وسایل، میان شنب مختلف اقتصاد دامنه سرمایه گذاری تابع تغییرات قیمت‌های کالاها در بازار یا به عبارت دیگر تابع قانون ارزش است. فقط در جامعه سرمایه‌داری است که قانون ارزش به طور کامل و در همه حوزهای اقتصاد عمل می‌کند. زیرا که فقط در جامعه سرمایه داری، مبادله کالای در سراسر پروسه تولید وجود دارد. در همه جوامع پیش از سرمایه داری و همچنین در جوامع پس از سرمایه‌داری، عناصر کلیدی تولید، کالا نیستند. مثلا در دوره فئودالیسم کار و زمین کالا نبودند، آنها در بازار مبادله نمی‌شدند.

برخی از کسانی که نظام شوروی را بویژه از زمان به قدرت رسیدن ریزوئیست‌ها «سرمایه‌داری» می‌دانند مدعی می‌شوند که در این کشور قانون ارزش بر اقتصاد مسلط است و از این رو سرمایه‌داری به طور کامل احیاء شده است. آیا چنین ادعایی درست است؟ آنچه که بیش از همه وجه تولید سرمایه داری را از سایر وجود تولیدی متمایز می‌کند، وجود تولید کنندگان منفرد و مستقلی است که باید محصول خود را به مبادل‌های عمومی ارزش مبادله (پول) تبدیل کنند و دوباره همه عناصر تولید را در بازار بخرند. مثلا قانون ارزش در یک ماده اقتصادی (غیر پولی) به طور کامل عمل نمی‌کند. در چنین وضعیتی از مبادله، سنت‌های مبادلاتی و شرایط تضاد عرضه و تقاضا بر مبادله حاکم است.

حالا ببینیم که وقتی در نظام سرمایه‌داری ارزش مبادله با هزینه تولید برابر باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر ارزش پایین‌تر از هزینه باز تولید باشد سرمایه‌دار قادر نخواهد بود منابع لازم را برای آن که تولید را در همان سطح پیشین نگهدارد باز خرید کند. در نتیجه در چنین شرایطی تولید در یک بنگاه یا کارخانه معین کاهش می‌یابد. اگر ارزش کالا بالاتر از هزینه باز تولید باشد، سرمایه‌دار به متانفی بالاتر از حد معمول می‌رسد. این سبب جذب سرمایه اضافی می‌شود و تولید در بنگاه یا کارخانه بخصوص افزایش می‌یابد. اما در اقتصاد شوروی تولید بیش محصول معین تابع چنین اوضاع و احوالی نیست. در این خصوص ما در شماره‌های آینده خواهد کافی ارائه خواهیم کرد.

این عقیده که نظام شوروی سرمایه‌داری است، بطور کلی منافی ویرشد اصول اساسی مارکسیسم است. مارکس و همه مارکسیست‌ها این اصل ابتدایی را می‌پذیرند که سرمایه‌داری شیوه تولیدی است که اساس آن را مالکیت خصوصی تشکیل می‌دهد. در چنین نظامی تولید کالایی عمومی پافته و عوامل تولید مثل نیروی کار، ابزار کار، زمین و غیره به کالا تبدیل می‌شوند. تولید کالا بر اساس رقابت

در بازار استوار است. رقابت میان سرمایه های منفرد، قانون ارزش کار را بوجود می‌آورد و نیروی مفرکه لازم را برای پروسه تاریخی انباشت سرمایه ایجاد می‌کند. آیا نظام شوروی چنین است؟ در نخستین دهه‌های پس از انقلاب اکثر، خلع ید از طبقه سرمایه‌دار و ملی گردن سوسیال تولید از جانب دولت کارگران که با پی-ریزی اقتصاد با برنامه همراه بود، رقابت سرمایه‌داری را از میان برد و با از میان رفتن اقتصاد بازاری، دیگر وسایل تولید خصلت کالایی خود را از دست دادند و در نتیجه سرمایه و قانون ارزش کار به مفهومی که در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، از میان رفت.

برخی مدعی می‌شوند که پس از مرگ رفیق استالین و به قدرت رسیدن ریزوئیست‌ها «در اتحاد شوروی، وسایل تولید جنگلی به یک سرمایه واحد تبدیل شده‌اند که سرمایه داران دولتی انحصاری مشترکا صاحب آن هستند.» (نشریه رد پی پرز Red papers چاپ امریکا). این ادعا، خود ریزوئیسم محض است.

مارکس می‌گوید: «سرمایه فقط و فقط به صورت سرمایه‌های بیشتر وجود دارد و می‌تواند به موجودیت خود ادامه دهد. لنین نیز تأکید می‌کند که در دوران امپریالیسم و در شرایط وجود انحصارات بزرگ نیز هرگز انحصار به طور کامل برقرار نمی‌شود و رقابت را از میان نمی‌برد.

برخی از مدافعان سرشناس تراخیاوی سرمایه داری در شوروی، مثلا نیکولائوس امریکایی که بیشتر تحت تأثیر افکار «پانئونیان» قرار دارد، اعلام داشته‌اند که در شوروی قانون ارزش دوباره بر اقتصاد مسلط شده است و از ارزش هر یک ماده اقتصادی (غیر پولی) به طور کامل عمل نمی‌کند. در چنین وضعیتی از مبادله، سنت‌های مبادلاتی و شرایط تضاد عرضه و تقاضا بر مبادله حاکم است.

حالا ببینیم که وقتی در نظام سرمایه‌داری ارزش مبادله با هزینه تولید برابر باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر ارزش پایین‌تر از هزینه باز تولید باشد سرمایه‌دار قادر نخواهد بود منابع لازم را برای آن که تولید را در همان سطح پیشین نگهدارد باز خرید کند. در نتیجه در چنین شرایطی تولید در یک بنگاه یا کارخانه معین کاهش می‌یابد. اگر ارزش کالا بالاتر از هزینه باز تولید باشد، سرمایه‌دار به متانفی بالاتر از حد معمول می‌رسد. این سبب جذب سرمایه اضافی می‌شود و تولید در بنگاه یا کارخانه بخصوص افزایش می‌یابد. اما در اقتصاد شوروی تولید بیش محصول معین تابع چنین اوضاع و احوالی نیست. در این خصوص ما در شماره‌های آینده خواهد کافی ارائه خواهیم کرد.

در جامعه سرمایه‌داری که قانون ارزش بر همه شئون اقتصادی تسلط دارد، توزیع سرمایه در رشته‌های مختلف توزیع وسایل تولید، نیروی کار و غیره همگی تابع قانون ارزش هستند. در جامعه سرمایه‌داری از آنجا که رهبری متمرکز اقتصاد وجود ندارد و تولید مطابق یک برنامه معین صورت نمی‌گیرد. هیچ سرمایه‌داری نمی‌تواند از قبل پیش‌بینی کند که

بقیه از صفحه ۱

محرکین جنگ داخلی وابسته ...

دگرگون کند. در مورد حمله به دهکده های لاهیجان که آقای کریمی فرماندار شهسوار که خود بابت نفت پشیمان حمله کنندگان به این دکه ماحصله می کرده و فیلم آن نیز موجود است. روزنامه‌های جمهوری اسلامی این عمل را به نیروهای مبارز انقلابی نسبت داد. س- بعضی از هواداران انتقال د می‌کنند که هواداران شاد در مقابل ستاد شناسایی می‌شدند و شب‌ها علی نشان داده آید. عده‌ای نیز طرفدار اشرف دهقانی هستند، در این زمینه اطلاعاتی بدهید. ج- وضعیت سازمان با وضعیت گروه‌های دیگر فرق می‌کند. در میان سازمان‌های مارکسیست مسئولیت عمده بر عهده سازمان ماست. مائوس نداریم- همچون گروه اشرف دهقانی وقتی چنین صحنه‌هایی می‌بینیم دچار احساسات شویم. البته هر عنصر آگاه، هر کسی که بتواند حقایق راتحقیق دهد از این اعمال نجیب، ارتکاب سوزان از درسیب ن لباس های زنان، از آتش زدن کودکان

پیروز باد مبارزات قهرمانانه خلق ...

با کترین امکانات و با تکیه به نیروی خلق ستندبند سرخست‌ترین مبارزات آزادیبخش را علیه نیرومندترین قدرتهای امپریالیستی-سازمان داد. اکنون پس از گذشت سالها خلقی که در کوران سخت‌ترین مبارزات انقلابی آید شده و از هزاران آزمایش دشوار استوارتر از پیش سر بلند بیرون آمده، همچون سنگر شکست ناپذیر انقلاب و خط مقدم جبهه نبرد علیه امپریالیسم و سهیوئیسم در منطقه بمبارزه خود ادامه می‌دهد. مبارزه خلق فلسطین امروز از جهان حقایقی برخوردار است که حتی دشمنان آن در منطقه برای فریب تودمها، مجبورند دفاع ظاهری از انقلاب فلسطین برخیزند و خود را مدافع آن وانمود سازند. ما در دوران رژیم ضد خلقی سابق در میهن خود دیدیم که چگونه رژیم مزدور، نزدیک‌ترین پیوندهای اقتصادی و سیاسی را با سهیوئیسم برقرار نمود و به اتفاق آن علیه انقلاب فلسطین و انقلاب خلق های ستندبند منطقه دست به توطئه‌گری می‌زد. ولی هیچگاه از ترس مردم ما که در انقلاب

فلسطین مبارزه مشترک خود علیه امپریالیسم و سهیوئیسم را پافته بودند، جرات نکرد رسا از اسرائیل حمایت کنند و یا علیه انقلاب فلسطین علنا موضع گیری نمایند. و بارها و بارها نیز تکیه تلاشی می‌نمود خود را مدافع انقلاب فلسطین وانمود سازد. و اکنون که آن رژیم پوچالی در میهن ما سرنگون شده و خلق ما امکان یافته تا با خلق قهرمان فلسطین پیوند های مشترک خود را هر چه بیشتر استحکام بخشد. ما با درود بیکران باین خلق قهرمان امیدواریم همانگونه که در گذشته با تضاق فدائیان فلسطین علیه دشمن مشترک جنگیده‌ایم در آینده نیز با حفظ وحدت انقلابی خود با خلق فلسطین باتمام نیرو از مبارزه مشترک یکدیگر حمایت و پشتیبانی کنیم. آنچه ما را به یکدیگر پیوند داده است، نبرد مشترک، دشمن مشترک و سرنوشت مشترک است. سازمان چریک های فدایی خلق ایران از آغاز مبارزه خود در دوران ترور و اختناق رژیم گذشته، نزدیک ترین روابط و پیوندها را با انقلاب فلسطین داشته است و بسیاری از رفقای فدائیان ما، سالها همراه با فدائیان فلسطین علیه سهیوئیسم

بقیه از صفحه ۱

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود



گزارش بازدید از حوزه های رأی گیری «مجلس خبرگان» اهواز

● مسئولین حوزه در برابر سؤال ما که چرا لیست رسمی روی دیوار و در معرض دید مردم نیست گفتند که: «مردم این محل اولاً بی سوادند و ثانیاً فقط به روحانیت رأی می دهند»

زمان بازدید: صبح روز جمعه ۱۲ مردادماه
تعداد حوزه های مورد بازدید: ۲۵ حوزه
- حوزه های مورد بازدید در محلات لشکرآباد، کمپلو، امانیه، آغاسانات، زیتون کارمندی، کوی کورش کیانیارس، پادگان، ۲۴ متری و ۳۵ متری بود.
- در طول بازدید که علی الاصول باید شلوغ ترین ساعات حوزه های رأی گیری باشد حد متوسط تعداد مراجعین حاضر در حوزه ها فقط ۵ نفر بود.
- حداکثر نفرات در حوزه مسجد رسول در زیتون کارمندی - در حدود ۱۵ نفر - و حد اقل افراد در حوزه ۸۶ راهنایی (که جنب محله عرب نشین لشکرآباد است) - ۴ نفر - و در حوزه مسجد لشکر آباد - ۱ نفر - دیده شد. این دقیقاً برخلاف مفروضات جمعیت در روز فرادوم بود.
- در اکثر حوزه های تکیه در محلات فقیر نشین مستقر بود یکی دو نفر از افرادی که کارت نظارت بر انتخابات نداشتند برگ آراء می سوادان را بر میگرداند و کاملاً مشغول بود که فقط نام ۴ نفر کاندیدا (کرمی) - موسوی جزایری، کیاوش و شهبی یا رشیدیان) برای آنان ثبت میگرداند.
- در اکثر حوزه ها افراد کمیت با قسم زدن در کنار تکیه های چندگان از آن برای نوشتن هفتصنیف خود استفاده میگرداند و عملاً مردم را زیر نظر داشتند و جاسوسی میگرداند و بطور مشهود موجب اضطراب آنان بودند.
- در حوزه ۷۷ (مسجد پادگان) رئیس حوزه در حال تلقین به شخصی بود و اصرار داشت که اجازه بگیرد که سرپا زنی که شناسنامه نداشتند بتواند رأی بدهد و رضوی کلامش آنچنان بود که بطرف حالی میگردد که این ۸۰۰۰۰۰۰ نفر که رأی بدهند یعنی ما میگردانیم باید از دادن رأی محروم باشند. یکی از ما اظهار داشت که شناسنامه ندارد و پاسپورت خود را نشان داد ولی با هکس المل منفی روبرو شد و وقتیکه اعتراض کردیم پس چگونه میخواند برای آن ۸۰۰۰۰۰۰۰ نفر اجازه بگیرد یک دکان سروان پادریانی

کرد و با اعلام اینکه: «خیر، هیچکس بدون شناسنامه نمیتواند رأی بدهد» موضوع را مستحالی کرد.
- در شب ۹۴ - خیابان سید مصطفی کمپلو بهر و دیوار بطور مفصل و تبلیغی نام ۴ نفر رانوشته بودند بطوریکه کاملاً به چشم میخورد
- در حوزه مسجد لشکرآباد - ۸۷ - تبلیغات مفصل برای همان ۴ کاندیداهای جمهوری اسلامی کاملاً مشهود بود. و هیچگونه لیستی که معمولاً در شب نام دیگر به دیوار زده شده بود (و اسامی همه ۱۹ نفر کاندیدار را در آن با خطی درشت نوشته بود) وجود نداشت جوانی بدون کارت نظارت پشت میزی نشسته بود و یک لیست خطی روی یک صفحه کوچک زیر دستش و زیر جلد توضیح المسائل خمینی گذاشته بود در این لیست دور اسم آن ۴ نفر کاملاً کادر مشخص کشیده شده بود و جلوی اسم نسیم و ناصر خاککار و عباس ساری کلمه «کمونیست» نوشته شده بود. وقتیکه از او پرسیده شد که چکاره است؟ گفت: بهرادران و خواهران می سوادان است؟ میگوید: وقتیکه به او اعتراض شد که این لیست حالت مفرضانه دارد با دستچاپی جواب داد که: مردم که به کمونیست رأی نمیدهند پس فرقی نمیکنند. مسئولین حوزه در برابر سؤال ما که چرا لیست رسمی روی دیوار و در معرض دید مردم نیست اول پیشنهادی شدند و بعد سعی در مستحالی کردن قضیه به این بهانه که «مردم این محل اولاً بی سوادند و ثانیاً فقط به روحانیت رأی میدهند و در نتیجه به لیست احتیاجی نیست» نمودند و ایادی کمیت و گروهی از جوانان ناآگاه که برای ما در بهر ریختن چلات بیگام با چوب و چماق و پنجه بکس شناخته شده بودند موضع خصمانه گرفتند و ما ناچار به ترک حوزه شدیم.
- در حوزه مسجد امام جعفر صادق - ۵۴ - (در آخر اسناتل خیابان زند) هم دو نفر بدون کارت نظارت پشت یک میز نشسته بودند

انتخابات «مجلس خبرگان» در فومنات چگونه برگزار شد

مردم مبارز فومنات! انتخابات مجلس خبرگان به پایان رسید. ولی برستی این انتخابات آزاد بود؟ برستی توده های مردم توانستند نمایندگان راستین خود را به آزادی و در کمال آگاهی برگزینند؟ اصولاً اکثریت مردم کانی را که به آنها رأی دادند می شناختند؟ آیا میشود به آنچه در طول چند روز قبل از انتخابات در فضای میهن ما حاکم بود، نام آزادی گذاشت؟ آیا آنچه در روز انتخابات (۱۲ مرداد) بر حوزه ها و صندوق های رأی گیری می گذشت یک جسران آزاد و سالم انتخابانی بود؟ اگر آگاهانه به آنچه در این روزها بر میهن ما و مردم ما گذشت بنگریم، به همه سؤالات بالا جواب منفی خواهیم داد. ما برای اثبات حرفمان که انتخابات برخلاف ادعای مراجع دولتی و غیردولتی به هیچوجه آزاد و دمکراتیک نبوده، زیاد دور نمیرویم و از شهرهای دیگر سخن نمیگوئیم. ما آنچه را که در شهر و روستاهای فومن جلوی چشم و بطل گوش ما گذشت و حتماً شما نیز در آنها مورد آراء دیده اید، برایتان می نویسیم و قضاوت را به عهده شما میگذاریم.
در طول یک هفته قبل از انتخابات دعا با اعلامیه ها و تراکتهای انتخابانی ما را پاره کردند و برده های را که در رابطه با مسوولای پیش نویس قانون اساسی و نحوه انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان در شهر نصب کرده بودیم پاره کردند. بدین ترتیب مانع از آن شدند که ما نظرات خود را در مورد مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی بگوش مردم برسانیم. در حالیکه طرفداران حزب حاکم کشور یعنی حزب جمهوری اسلامی بدون هیچگونه مانی در دو دیوار را پر از اعلامیه ها و تراکتهای خود کردند و از مسجد و منبر سخنرانی نموده و باران فحش و تازرا را تار ما کردند. آیا چنین است حق برابر برای همه گروهها و سازمانهای سیاسی که رادیو و تلویزیون دولتی مدام در گوش مردم میخواند.
قرار بود که گروهها و سازمانهای سیاسی بر صندوق های رأی گیری نظارت کنند. با وجودی که در شهر فومن و روستاهای تابعه حدود ۶۸ صندوق مستقر بود با حفظ ۵ کارت نظارت دادند.
● در بعضی حوزه ها که مردم میخواستند به جوشنی رأی بدهند نظار و اطرافیان گفته بودند که برای جوشنی صندوق نداریم.
چون کاندیداهای موافق پیش نویس قانون اساسی از بالا تعیین شده و کاندیداهای مخالف نیز فرصت و امکان معرفی خود را نداشتند، عموم مردم بویژه روستائیان، نمایندگان را حتی به نام هم نمی شناختند. مثلاً عدای فکر می کردند که باید به آیت الله خمینی رأی داد. خلاصه در حوزه های رأی گیری تبلیغ و تحریک و ترساندن مردم و جهت دادن به آنها و در نتیجه زدیدن آرایان امری عادی تلقی میشد. حال می پرسیم به آرای که اینگونه به صندوقها ریخته شده می شود استاد کسرد؟

یاد شهدا گرامی باد

متقد بمبارزه مسلحانه دستگیر شدند و به مدت یک سال در زندان بودند. در آن هنگام زین العابدین دانش آموز سال چهارم و غلامرضا دانش آموز سال پنجم دبیرستان بود. این واقعه پس از آزادی در سال ۱۳۵۳ از طریق رفیق شهید مصطفی حسینی (که در زندان با او آشنا شده بودند) به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوستند. در ماه مرداد ۵۴ در محل پارک پائین خیابان شهید این دو رفیق با اتفاق رفیق عسکر حسینی ابرده و یک رفیق دیگر مورد محاصره جلادان شاه قرار گرفتند. رفیق زین العابدین که تنها ۵۵ روز از سخنانش میگذشت با خوردن سیانور به زندگی برافشاند خود خاتمه داد و رفیق غلامرضا که تازگی از ده محل خدمت خود در کرج گریخته و مخفی شده بود برای نجات رفقای خود به تنهایی در مبارزه قهرمانانه بدرجه شهادت رسید و امکان فرار دو رفیق دیگر را فراهم آورد.
رفیق حسینی اللهیاری نیز، که در سال ۱۳۴۸ در تهران متولد شده بود، همچون دو رفیق دیگر در سال ۵۵ در حالیکه دانشجوی دانشکده علم و صنعت بود دستگیر شد اما پس از ۲۶ روز او را آزاد کردند. پار دیگر در اردیبهشت ۵۲ رفیق دستگیر شد و به ۱۵ ماه زندان محکوم گشت. او محکومیت خود را در زندان اوین، قزلقلعه و قصر گلراند و پس از آزادی به چریکهای فدائی خلق پیوست. زندگی سفی رفیق از اوائل سال ۵۴ شروع شد و در مرداد ماه همین سال به شهادت رسید.
یادشان گرامی باد.

بخشهایی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خوزستان: جنایاتی را که در حق خلق عرب...

تحریک میکنند، بی ببرند. ما شن بیان از چار خود از اعدایمانی که صورت گرفته است، هواقب این افعال را که برخلاف تصور ماجراجویان و متوجهان و مهره های وابسته به ارتجاع جهانی، حاصلی جز تشدید کینه ندارد خاطر نشان میازیم. ما شیوه های کثیف ارتجاعی را که میگوید با دروغ پراکنی و تهمت زنی و ستمنازی صنادی حق خواهان خلق عرب را در گروگون جلوه میدهند تودمهای عرب را از ثمرات انقلاب محسوم سازد محکوم میکنیم و برای پایان بخشیدن هرچه زودتر باین جنایات و تجاوزات که آشکارا لگد مال کردن ببنی ترین اصول دستاوردهای انسانی قیام زحمتکشان ماست و رها ساختن فرزندان زندانی خلق عرب به تودمهای خلق عرب همسازیم. و با تکیه مجدد بر شناسایی حق تعیین سرنوشت خلقهای میهن خود از زحمتکشان عرب میطلبیم در چنین شرایط حاسی که برای قطع سلطه امپریالیسم و ارتجاع به وحدت انقلابی همه زحمتکشان میهن نیاز هست از خود هوشیاری نشان دهند و از هر ضلع کینه توزانه و اقدام نادرستی که به سود ارتجاع و وابستگان مزدور غارتگران جهانی است خودداری ورزند. و خواست حق طلبانه خود را برای کسب حقوق حقه خود هر چه بیشتر با منافع مجموعه زحمتکشان خلقهای میهن خود هماهنگ و همگام سازند.
مستحکم باد وحدت تمامی خلقهای زحمتکش میهن
هرگ بر ارتجاع و حامیان جهانیش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خوزستان ۱۸ مرداد ۵۸

رفقا و هموطنان مبارز
بعلت حمله عناصر مرتجع و وابسته به امپریالیسم به ستاد سازمان آدرس نشریه را بصدا با اطلاع خواهیم رساند.
آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران: تهران: بانک ملی ایران - شعبه دانشگاه شماره حساب ۴۳۰۵۸ بنام عباس فضیلت کلام
اهواز: بانک تهران - شعبه مرکز شماره حساب ۲۹۹۲ بنام محمد ابراهیم اکبری

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

یاد شهدا گرامی باد



محمد صفاری آشتیانی / غلامرضا بانزاد / احمد زهریم / زین العابدین رشتچی

رفیق احمد زهریم در سپیده دم ۲۸ مرداد ۵۱ که رژیم مزدور شاه بار دیگر سالگرد کودتای تنگین و سند خلقی خود را جشن می‌گرفت، با آوازی گلوله‌های خود سرود پرشکوه خشم روزافزون خلق راسداده، سرودی که بیانگر این واقعیت بود که خشم خلق در زیر سر نیزه و اعدام و تیرباران و شکنجه مداوم بیست ساله نه تنها فرو نرفته، بلکه روز بروز شکوفا تر هم گشته است.

رفیق احمد زهریم در سال ۱۳۳۳ در خانواده یک ماهیگیر فقیر در بندر انزلی، در دامان فقر و زحمت و تلاش مداوم، دیده به جهان گشود. همه افراد خانواده در کار صید ماهی و تهیه خاویار به‌طور کسک می‌کردند ولی با اینهمه زندگی آنها به‌شورای می‌گذشت. احمد برای ادامه تحصیل نیز مجبور بود کار کند و در سن جوانی مدتی پاربری می‌کرد تا از این طریق بار زندگی افراد خانواده را سبک‌تر کند.

در ایام انتفال به‌ماهیگیری، او یکبار یک اعتصاب کارگری را سازمان داد که اگرچه به‌شکست انجامید اما تجربه‌ای بود در آغاز مبارزاتی که می‌رفت شکل بگیرد. رفیق احمد با کار در شیلات سرانجام تحصیل خود را در دبیرستان نیز به‌پایان رسانید و به‌سرپراری رفت. پس از سرپراری در کتابخانه پارک‌شهر تهران مشغول به‌کار شد و فرصتی برای مطالعه یافت. در این دوره بود که با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و متنی مسلحانه را همچون شورش و اجتناب ناپذیر، پذیرفت. او از طریق مهنری و همکاران دوره دبیرستان خود، رفیق شهید بهمن آژنگ (از اعضای حرکت شانه منهد) به‌رفقای تهران معرفی شد و در اولین عملیات مسلحانه سازمان (مسارده موجودی بانک ونک در مهر ماه ۴۹) شرکت کرد.

در بازگشت از این عملیات در اثر بی‌دقتی تیری از سلاح رفیقی شلیک شد که با اصابت به‌سررفیق احمد، زخمی سطحی ایجاد کرد و گمانه کرد. در این شرایط رفیق احمد با خوشرویی تمام فقط نگران رفقای دیگر و موفقیت در عملیات بود و چون تصور می‌کرد

که زخم او کاری است بارها از رفقا خواست که او را با حسان حال رها کنند. مقارن عملیات حمله به‌کلانتری قلهک، عکس رفیق زهریم نیز در کنار هشت رفیق دیگر در سراسر کشور منتشر شد و صدزار تومان جایزه برای دستگیری تعیین شد. از این تاریخ تا زمان شهادت، زندگی انقلابی رفیق سراسر مبارزه با مزدوران رژیم، شرکت در عملیات و شکنج خط محاصره دشمن بود. در سراسر ۲۸ مرداد ۵۱ که رفیق برای اجرای یک عمل شریقی از پایگاهش خارج شده بود، پساً مأمورینی که سراسر شهر را به‌شدت کنترل می‌کردند درگیر شد و در یک نبرد حماسی طولانی، فداکاری و جانیازی و عشق به‌خلق و ایمان عظیم خود را به‌نمایش گذاشت. رفیق زهریم حتی در اوج درگیری و در آستانه شهادت نیز اصرار داشت که پول چادری را که از زنی گرفته بود به‌او بپردازد. او با این شهادت حماسی، افشانه‌ای شد که هرگز از یاد نخواهد رفت.

یادش گرامی باد.

رفیق فریدون شافعی: فردا ۳۵ مرداد نیز مصافق است با سالگرد شهادت رفیق فریدون شافعی. او یکی دیگر از فرزندان دلاور خلق آذربایجان بود که در شهر رضایه بدینا آمد و در همانجا پرورش یافت. پس از گذراندن دوره هنرستان صنعتی پسنوآن کارمند فنی ساختمان در زادگاه خویش بکار پرداخت. رفیق فریدون از مدت‌ها قبل با سایر عناصر آگاه رضایه ارتباط سیاسی داشت و از همین طریق موفق شد با سازمان چریکهای فدائی خلق ارتباط برقرار کند. او مسئولیتها و وظایف سازمانی را با شوق و مسئولیت‌پذیری به‌عهده می‌گرفت و به‌نایستگی انجام می‌داد. یکی از برنامه‌های شناسایی در ۳۵ مرداد ۱۳۵۱ با مزدوران رژیم درگیر شد و در این درگیری به‌شهادت رسید. یاد او همواره در خاطرهای زنده است.

دیگر رفقای شهید در ماه مرداد:

رفیق محمد صفاری آشتیانی: رفیق محمد صفاری در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. دوران کودکیش آمیزه‌ای از کار و

تعمیل بود. تابستان‌ها با میوه‌فروشی‌اندوخته‌ای کرد می‌آورد و خرج درس‌خواندن می‌کرد. در سال ۱۳۳۵ وارد نیروی هوایی شد و در درجه استواری پلست فعالیت‌های سیاسی از ارتش اخراج شد. در سال ۱۳۳۹ در رشته حقوق دانشگاه تهران به‌تعمیل پرداخت. رفیق صفاری در گروه چریکی که در تدارک عملیات مسلحانه بود شرکت داشت و پس از لورفتن گروه در سال ۴۶، او به‌سورت یک انقلابی حرفه‌ای و تحت‌پیکرد به‌فعلیت‌های مضی خود ادامه داد و ۸ ماه در تهران به‌تجدید سازمان پرداخت. در تابستان ۴۷ بنا به‌مصالح سازمانی همراه با رفیق صفائی فراهانی بقصد فلسطین از مرز عبور کرد. این دو رفیق در جبهه فلسطین آنچنان شایستگی از خود نشان دادند که در صفوف بهترین رزمندگان فلسطین قرار گرفتند. رفیق صفاری مسئولیت توزیع اسلحه و تدارک نظامی را در پایگاه چریکی جبهه آزادیبخش خلق (جرح حیث) عهده‌دار بود. او در اوائل سال ۴۹ به‌اتفاق صفائی به‌ایران بازگشت و از آن پس بارها برای آوردن سلاح و تبلیغ چریکی راه دستور تهران - فلسطین را پیچید. رفیق در بسیاری عملیات چریکی شرکت موثر و فعال داشت. در نیمروز دوم مرداد ۵۱ که از خانه تیمی خارج شد، دریافت که دشمن در حال محاصره خانه است. او بدون جلب نظر مزدوران از خط محاصره خارج شد ولی برای آگاه کردن رفقای هم‌دوره خانه دست به‌عملی فدائی زد و از راهی دیگر حلقه محاصره را شکست و بسوی خانه بازگشت. اما در فاصله صحتری خانه با مزدوران درگیر شد و طی نبردی دلیرانه به‌شهادت رسید. این شهادت حماسی به‌رفقا حمیانشرف و شیرین ماند (فصلت‌کلام) که درون خانه بودند اجازه داد که خط محاصره مزدوران را بشکنند و با موفقیت از خانه بگریزند. به‌این ترتیب رفیق صفاری فدای رفقایش و فدای خلقش و آرزایش شد. یادش گرامی باد.

رفقا زین العابدین رشتچی، غلامرضا بانزاد و حسینعلی اللهیاری

رفیق زین العابدین رشتچی و رفیق غلامرضا بانزاد در سال ۱۳۵۵ در ارتباط با یک مسلح بقیه در صفحه ۷

«جانیاتی را که در حق خلق عرب صورت می‌گیرد محکوم می‌کنیم»

جانیاتی که این روزها در خوزستان بسر خلق عرب می‌کنند و دامنه‌اش نیز هر روز بسورت تاز آور و نگران کننده بالا می‌گیرد، نمیتواند ضمن تشدید دلهره و انتظار در توده های زحمتکش خلق عرب خشم و نفرت نیرو های انقلابی را نیز برنیا نگیزد.

خلق رنج کشیده‌ای که در طول نیم قرن حکومت تنگین پهلوی بهترین فرزندان را قربانی خواستهای عادلانه خود کرده است و هنوز از عوارض شکاری و قلداری رژیم گذشته و حاکمیت شیوخ چابر و اربابان زمین-دار و مرتجع محلی رنج می‌برد، فقر و بیماری و بی‌پسانایی و بی‌توانی پستوشان آورده، شانه هایمان زیر بار سنگینی ستم خمیده شده و از کشتن حق اجتماعی برخوردار نیستند.

توهمهای زحمتکش عرب‌دردفرازی قیام باین امیددلته بودند که بازه جانیازی و شرکت فلالستان در مبارزه علیه رژیم شاه خان،

جانیات بیشمار بقایای فنودالها در آذربایجان غربی با کمک کمیته ارومیه

رژیم گذشته برای کسب حمایت فنودالهای مناطق مرزی غرب کشور از جمله اطراف رضایه، حتی همان اصلاحات اردنی‌فرمایشی را شامل املاک آنان نکرد.

و با این ترتیب به‌ت نفع مالکین در

همسر و نداد ایمانی:

از مردم میخواهم نگذارند خون و نداد پایمال شود!

میگفت وضع تو که خیلی خوبه من خواهرم را می‌آرم بپشت. دیگه چی می‌خواهی. خدا را شکر کن زنهای مردم تو محات با اون وضع بچه می‌دان. هیچکس بالای سرشان نیست. شوهران توی شهر دنبال کاره تک و تنها تو اون وضع. تو بخدارا شکر کن و همیشه می‌گفت:

«آذر آخه من که فقط مال تو وآزاده بستم. من به مردم تعلق دارم. مال مردمستم. آدم باید درد دیگران را بدونه. مگه تو آزاده را بزرگ می‌کنی برای خودت؟ وقتی بزرگ شد تحصیل اجتناب میدهی که سودمند باشد. منم مال مردم هستم.»

و نداد به‌عاطر مردم و به‌عاطر خلق شهیدند. او در زندگی چیزی کم نداشت. زندگی‌جداخت بچه و خانواده داشت و نداد توی زندگی‌اش هیچی کم نداشت. به‌عاطر مردم زنده بود و به‌عاطر مردم مبارزه می‌کرد. و من از مردم می‌خواهم که نگذارند خون و نداد و امثال او پایمال بشه.

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خانواده شهدای سینما رکس آبادان گرامی باد خاطره شهدای سینما رکس آبادان

فاجعه سینما رکس توانست جلوی موج خروشان خلق را بگیرد و امواج بر تلاطم خلق های قهرمان ایران درجهن ماه ۵۷، امیرالیم را وادار به‌تقت نشینی های تاکتیکی نمود. اما دولت که سرس کار آمدن نفوس و توانست بیان کننده اراده راستین خلقهای شمتکش میهن ما باشد. این دولت نه فقط تلاش در جهت انقادی هرچه بیشتر جانیات رژیم شاه نمود، بلکه شدیداً در مقابل دادگاههای انقلاب کار خنکی نمود تا سرانجام دادگاههای انقلاب را تسلیم اراده خود نموده وآرا از مستوی انقلابیاش تهمی نمود.

اکنون ما در شرایطی خاطره شهدای سینما رکس را گرامی می‌داریم که گردانندگان اصلی این جانیات فجیع در بین مردم آزادانه می‌گردند و درحالیکه حال سرسپرده رژیم سابق آزادنده بسیاری از انقلابیون زندانی مسی شوند. اما آنچه جانیاتکاران و سرسپردگان به‌امیرالیم همیشه فراموش می‌کنند و بدان بهائی نمی‌دهند، اراده توده‌هاست، توده‌هاست که سرانجام انتقام تمام جانیات امیرالیم و سرسپردگان آرا خواهند گرفت. مردم ایران این جانیاتکاران را دشمن محکوم نموده‌اند، و مسلماً دادگاههای انقلابی خلق را در کوچه ها و بازارها، در کارخانه و روستا، در میدان های شهدا، در سینما رکس آبادان و در بهشت

بخطار عدم توانایی در پرداخت شهریه: چرا باید فرزندان زحمتکشان از تحصیل محروم بمانند؟

دانش‌آموزان میهنان از جمله نیروهای مبارزی بودند که همیشه در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی در کنار کارگران و زحمتکشان نقش فاضلی داشتند. دلاوریهای آنان در مبارزات یکساله اخیر، بویژه در روزهای خونین ۱۷ شهریور سپس در ۱۳ آبان (که به‌دشمنه سرخ شهرت یافت) که با تظاهرات پرشور خود از پای نشاندند تا قیام بهمن ماه را گلگون کنند، همیشه در خاطرهای جاودان خواهد ماند.

سینه‌های پرشوری که آماج گلوله‌های ارتش مزدور شاه شد با این قصد که پیروزی از آن خلق شود.

پس از قیام بهمن ماه و گشایش مدارس، مصطلین راهی کلاسا شدند. اما این بار گوله‌باری از تجربیات مبارزاتی را همسراه خود به‌سروس بردند تا با تکیه بر آن در جهت از بین بردن مظاهر فرهنگ پوسیده امپریالیستی بجا مانده از رژیم شاه گسام بردارند.

آنان درین راه کوشیدند تا هرچه بیشتر ماهیت فرهنگ طبقاتی بجامانده از رژیم سابق را افشا کنند و درین راه با استخاد شیوه‌های دموکراتیک و از طریق شوراهای دانش‌آموزی به‌رشد آگاهیهای سیاسی - اجتماعی گروه‌های وسیع مصطلین پرداختند ایجاد کتابخانه‌ها، تشکیل نمایشگاه‌های عکس

یکسال از جانیات وحشیانه رژیم شاه می‌گذرد. اکنون مردم در سالگرد این قتل‌عام فجیع که انسان را بباد کورمهای آمپوسوزی فاشیستی هیترلی می‌اندازد، خاطره شهدای آرا گرامی می‌دارند. قتل عام وحشیانه در سینما رکس آبادان هنگام اتفاق افتاد که مبارزات حق طلبانه و عادلانه خلقهای قهرمان ایران اوج جدیدی پیدا کرده و می-رفت تا طواری تنگین رژیم پهلوی، این رژیم سراسر وابسته به‌امپریالیسم را به زباله دان تاریخ بسپارد. کتار وحشیانه مردم در سینما رکس آبادان به‌فاصله یکروز از مساجحه مطبوعاتی شاه جلاد با خبرنگاران جیرم خوارش که در آن گفته بود: «ما به مردم وعده ندنم بزرگ می‌دهیم و آنها وعده و حنت بزرگه» صورت گرفت و این نشان می‌دهد که مزدوران سازمان امنیت به‌بستور شاه خونخوار و برای انیات گفته‌هایش در ایجاد و حنت بزرگه دست به‌این جانیات بسزرگ زدند و می‌کردند این جانیات بزرگ را به مبارزین راستین خلق نسبت دهند و توهمهای زحمتکش را نسبت به‌آنها بدبین سازند. ولی خوشبختی مردم ما و بویژه حیاری خانواده شهدای این فاجعه که حاضر ننشند آلت دست دستگاه تبلیغاتی شاه قرار گیرند، این توطئه و فریب را خنثی نمود.

و با این خاطر بود که از ابتدای سال جدید توطئه‌ها در اشکال گوناگون بوسیله عدهای ناآگاه و فریب‌خورده بر علیه دانش‌آموزان مبارز و آگاه صورت می‌گرفت. این قبیل بقیه در صفحه ۶

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگانش